

وبلاگ آزادی اندیشه ها

teck-dl.blog.ir

محمد مصدق

محمد مصدق	
	
دکتر مصدق	
نخست‌وزیر ایران	
مشغول به کار ۳۰ تیر ۱۳۳۱ - ۲۸ مرداد ۱۳۳۲	
محمدرضا پهلوی	پادشاه
[[[]]]	نخست‌وزیر
حسین علا	پس از
فضل‌الله زاهدی	پیش از
مشغول به کار ۷ اردیبهشت ۱۳۳۰ - ۲۵ تیر ۱۳۳۱	
از سمت نخست‌وزیری استعفا کرد ولی بعد از ۵ روز با خواست مردم در جریان قیام، مجدداً به این سمت منصوب شد.	
حسین علا	پس از
احمد قوام	پیش از
وزیر امور خارجه	
مشغول به کار ۲۴ خرداد ۱۳۰۲ - ۳ آبان ۱۳۰۲	
حسن پیرنیا	نخست‌وزیر
وزیر مالیه	
احمد قوام	نخست‌وزیر
نماینده مجلس شورای ملی	
استاندار فارس	
اطلاعات شخصی	
۲۹ اردیبهشت یا ۲۶ خرداد، ۱۲۶۱ ۱۹ مه یا ۱۶ ژوئن، ۱۸۸۲ میلادی محله سنگلج، تهران، ایران	تولد

مرگ	۱۴ اسفند، ۱۳۴۵ ۵ مارس، ۱۹۶۷ میلادی احمدآباد، ایران
ملیت	ایران 
حزب سیاسی	جبهه ملی ایران
همسر	زهرا دختر میرزا زین‌العابدین تهرانی و ضیاءالسلطنه
فرزندان	احمد، غلامحسین، منصوره، ضیا اشرف، خدیجه
محل تحصیل	مدرسه علوم سیاسی پاریس دانشگاه نواتل سوئیس
پیشه	سیاستمدار
حرفه	ملی کردن صنعت نفت
دین	اسلام شیعه
امضاء	
کنیه(ها)	مصدق السلطنه

محمد مصدق (۲۹ اردیبهشت یا ۲۶ خرداد ۱۲۶۱ - ۱۴ اسفند ۱۳۴۵)^[1] سیاست‌مدار، دولت‌مرد، نماینده چند دوره مجلس شورای ملی، و نخست‌وزیر ایران در سال‌های ۱۳۳۰ (۲۸ آوریل ۱۹۵۱) تا ۱۳۳۲ (۱۹ اوت ۱۹۵۳) بود.

وی رهبر ملی شدن صنعت نفت ایران شناخته می‌شود، چراکه تا پیش از آن نفت ایران زیر سلطه دولت بریتانیا و به واسطه «شرکت نفت ایران و انگلیس» (که بعدها به «بریتیش پترولیوم» یا به اختصار «BP» تغییر نام داد) اداره می‌شد. مصدق پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲، در دادگاه نظامی محاکمه شد و علی‌رغم دفاعیه مستندی که از کارها و دیدگاه‌های خود ارائه کرد، به سه سال زندان محکوم شد. پس از تحمل سه سال زندان، به دستور محمدرضا پهلوی، دکتر مصدق به ملک پدری خود در احمدآباد تبعید شد و تا پایان زندگی زیر نظارت شدید دولت در انزوا زیست؛ تا این که سرانجام در ۱۴ اسفند ۱۳۴۵ بر اثر بیماری سرطان در ۸۴ سالگی چشم از جهان فرو بست.^[2]

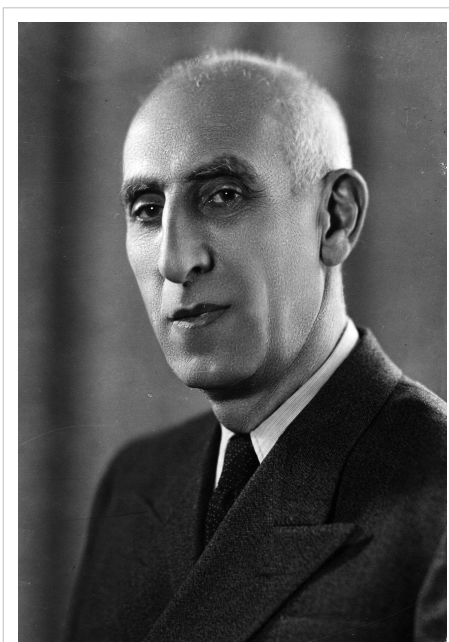
محمد مصدق چهره‌ای بود که ملی‌گرایی پرشور و استکبارستیز وی بر کشورهای خاور میانه همچون مصر و لیبی تأثیر گذاشت. او اولین سیاست‌مدار خاور میانه بود که با ملی کردن صنعت نفت پرچم مبارزه اقتصادی با قدرت‌های استعماری را برافراشت. او به طرق مختلف سرمشقی برای سران ملی‌گرای دیگر همچون جمال عبدالناصر بود.^[3]

آغاز زندگی و جوانی

دکتر محمد مصدق در بهار سال ۱۲۶۱ شمسی در یک خانواده اشرافی و بانفوذ دیوانی در دوره قاجاریه، در محله سنگلج در تهران به دنیا آمد. در مورد تاریخ دقیق زادروز وی، اختلاف نظر هست و این مسئله‌ای از زمان حیات وی تا امروز وجود داشته؛ با این حال در بیشتر منابع، ۲۹ اردیبهشت، ۳۱ اردیبهشت و ۲۶ خرداد ۱۲۶۱ ذکر شده است. پدرش میرزا هدایت الله آشتیانی وزیر دفتر ناصرالدین شاه از خاندان مستوفیان آشتیانی (**میرزا محسن آشتیانی، جد اعلای خاندان آشتیانی**) و از ایل بختیاری بود و مادرش شاهزاده نجم السلطنه بنیان گذار بیمارستان نجمیه تهران نوه عباس میرزا ولیعهد قاجار و نایب السلطنه ایران بود. به عبارتی مادرش دخترعموی ناصرالدین شاه، دختر شاهزاده فیروز میرزا نصرت الدوله بود.^[4]



کودکی محمد مصدق



میانسانی محمد مصدق

۱۶ اسفند ۱۲۶۴ فیروز میرزا نصرت الدوله که پدر بزرگ مادری محمد مصدق بوده درمی‌گذرد. چنانچه در آن دوره مرسوم بوده هرگاه یکی از حقوق بگیران دولت درمی‌گذشت دوسوم حقوق او به بازماندگان می‌رسید و به همین سبب حقوق ۱۲۰ تومانی وی، به محمد میرزا (مصدق) که از سوی مادر، نوه فیروز میرزا به حساب می‌آمد تعلق گرفت. خود مصدق می‌نویسد: «هیچ حقوقی یا اضافه حقوقی داده نمی‌شد مگر اینکه پیشتر محل آن تعیین شده باشد و محل حقوق جدید به این روش معمولاً یک سوم متوفیات بود. به این طریق که هر کسی از دنیا می‌رفت اگر وارثی داشت یک سوم از حقوق او و الا تمام آن در اختیار دولت قرار می‌گرفت که به هر کس می‌خواست می‌داد...»^[5]

در سال ۱۲۷۰ شمسی، **پدر مصدق (میرزا هدایت‌الله وزیر دفتر)** از ناصرالدین شاه درخواست کرد که میرزا محمد (مصدق) ۹ ساله در ردیف مستوفیان زبردست قرار گیرد و در فهرست حقوق بگیران درآید و ناصرالدین شاه آن را پذیرفت.^[6]

در تاریخ ۱ شهریور ۱۲۷۱ خورشیدی پدر محمد میرزا درگذشت. پسر بزرگش میرزا حسین (از همسر دیگر نه از نجم السلطنه) که سال‌ها به دلیل بیماری میرزا هدایت الله وظایف دفتر شاه را به عهده داشت، رسماً به این سمت منصوب شد. میرزا علی و میرزا محمد، پسران دیگر میرزا هدایت الله به ترتیب «موفق السلطنه» و «مصدق السلطنه» لقب گرفتند. در همین زمان دو سوم حقوق دوران خدمت **میرزا هدایت الله وزیر دفتر** بین باز ماندگانش تقسیم شد و به مصدق رسید...^[7]

از تاریخ ۱۶ دی ۱۲۷۳ تا ۸ اردیبهشت ۱۲۷۴، مظفرالدین میرزا ولیعهد که به رسم معمول دوره قاجار، فرمانروای آذربایجان بود و در تبریز زندگی می‌کرد به همراه منشی خود میرزا فضل الله وکیل الملک، به تهران سفر کرد و این ۱۱۲ روز را در منزل داماد خود عبدالحسین میرزا فرمانفرما (دای مصدق) به سر برد. نجم السلطنه با میرزا فضل الله خان وکیل الملک ازدواج می‌کند و در بهار ۱۲۷۴ خورشیدی به همراه شوهر خود و مصدق و باهمراهی مظفرالدین میرزا از تهران به تبریز جا به جا می‌شود. مصدق بیش از یک سال در تبریز زندگی کرد و آشنایی او به زبان آذری در این دوران بود.

در سال ۱۲۷۵ مظفرالدین شاه پس از قتل پدرش ناصرالدین شاه تاجگذاری می‌کند. پس از این ماجرا تمامی افرادی که در دربار ولیعهد در تبریز بودند به تهران نقل مکان می‌کنند. در همان سال ۱۲۷۵ عبدالحسین میرزا فرمانفرما علیه علی اصغر خان اتابک معروف به امین السلطان، اتابک اعظم نخست وزیر، توطئه کرد و چهار ماه پس از به تخت نشستن مظفرالدین شاه با دسیسه اتابک را کنار زدند و پس از آن، کشور بدون صدر اعظم و با زعامت چهار وزیر به شمول وزیر داخله مخبرالدوله؛ وزیر جنگ فرمانفرما؛ وزیر خارجه مشیرالدوله؛ و وزیر مالیه نظام الملک اداره گردید و میرزا فضل الله خان وکیل الملک، منشی

مخصوص شاه، فرمان استیفای خراسان را به نام میرزا محمد مصدق السلطنه صادر می‌کند.^{[9][8]}

انقلاب مشروطه

همچنین بخوانید:

نوشتار اصلی: تحصن شاه‌عبدالعظیم (۱۲۸۴)



دکتر مصدق در کنار غلامحسین صدیقی

در بهمن ماه ۱۲۸۲ خورشیدی پیمان جدیدی بین ایران و روس بسته شد که بسیار به زیان بازرگانان و بازاریان بود. در تحصن شاه‌عبدالعظیم (۱۲۸۴) در ۵ اردیبهشت ۱۲۸۴ بازاریان تهران بازار را بستند و به شاه عبدالعظیم رفتند و بست نشستند و در خواست بنیاد کردن عدالت خانه در سراسر ایران را کردند.^[10] این بست نشستن در شاه عبدالعظیم و ادامه فشارها و اعتراض‌ها به انقلاب مشروطه منتهی شد تا این که مظفردالدین شاه فرمان مشروطه را در ۱۳ امرداد ۱۲۸۵ صادر کرد تا همه پرسی تشکیل مجلس شورای ملی و نوشتن قانون اساسی بر اساس خواست ملت ایران انجام بیاید.^[11]

به گفته دکتر مصدق در دوره مشروطه «کلمه مستوفی و دزد مترادف شده بود».^[12] مصدق السلطنه نیز زیر فشار و انتقاد قرار گرفت.^[13]

محمد علی شاه در تاریخ ۲۹ دی ۱۲۸۵ تاجگذاری کرد. در تاریخ ۱۵ دسامبر ۱۹۰۷ بین محمد علی شاه و مجلس شورای ملی جدال شد زیرا مجلس حقوق وی را کم کرد و دیگر تصویب نکرد که وی برای هزینه‌های شخصی از دولت روسیه وام بگیرد. در عوض روسیه برای براندازی مشروطه محرمانه به او وام داد و محمد علی شاه جواهرات و مروارید ثروت ایران را گرو گذاشت.^[14]

رها کردن شغل مستوفی

در این باره مصدق به دو علت اشاره کرده‌است، او علی‌رغم احساس رضایت در سال‌های نخستین این مسؤولیت، به کسب دانسته‌ها بیش از آنچه در مکتب‌خانه‌های فراگیر درس داده می‌شد، گرایش داشت و در این میان ماجرای گله مندی یک ارباب رجوع که به گفته مصدق «حقوقی در حقش برقرار شده و از تأدیه رسوم معمول خودداری می‌کرد...» بهانه‌ای به دست امین‌السلطان اتابک اعظم صدراعظم دوران ناصری و مظفیری داد تا ناراحتی درونی خود را نسبت به مصدق که می‌اندیشید با مخالفان صدراعظم ارتباط دارد، اشکار ساخته و تصمیم به برکناری او بگیرد، کاری که در عمل رخ نداد. این جریان منجر به این شد که مصدق در خانه گوشه نشینی کند و روانه مدرسه تازه تأسیس شده علوم سیاسی آن دوره گردید. ولی به علت ممنوعیت تحصیل مستخدمین دولت، در خانه به مطالعه خصوصی پرداخت و از اساتیدی مانند شادروان شیخ محمدعلی کاشانی، میرزا عبدالرزاق خان یغابری، میرزاغلامحسین خان رهنما و میرزا جوادخان قریب (دیپلم مدرسه سیاسی و ناظم مدرسه آلمانی) بهره برد.

مصدق برای رها کردن کارش دو دلیل بر می‌شمرد:

یکی این بود که از مسؤولیت کاری که داشتم خود را رها کنم تا بهتر بتوانم تحصیل کنم و دیگر اینکه چون تبلیغات علیه مستوفیان روز به روز بیشتر می‌شد. من خود را از جرگه آنان خارج نمایم و علت فراوانی تبلیغات این بود که بعد از مشروطه این اندیشه در جامعه قوت گرفت که تجدید رژیم مستلزم تشکیلات نو است؛ کارمندان پیشین باید از کار خارج شوند و جای خود را به چهره‌های جدید بسپارند.^[15]

برای شغل مستوفی شرایط مساعد نبود و دیگر اعتبار خود را از دست می‌داد. مصدق بر آن شد که در راه سیاست قدم بگذارد. مصدق شغل مستوفی خراسان را نزد آقا میرزا رضا گرکانی به امانت گذاشت. آقا میرزا مستوفی کردستان و ساوه بود. عبدالله مستوفی می‌نویسد «مصدق به مناسبت خصوصیتی که با برادر آقا میرزا داشت به تقاضای خود مصدق، کار خراسان را هم ضمیمه سایر کارهای آقا میرزا گشت و فرمان و احکام آن صادر گردید».^[16]

تلاش برای نمایندگی در مجلس دوره اول

محمد مصدق در باره انتخاب خود به نمایندگی اصفهان در مجلس دوره اول چنین می‌نویسد:^[17]

«روزهای اول مشروطه که هنوز مشروطیت ایران نضح نگرفته بود و مقام نمایندگی حقوق نداشت و کمتر کسی داوطلب وکالت بود، برای من نیز سهل بود که مثل بعضی از همقطارانم به نمایندگی یکی از طبقات وارد مجلس بشوم و آن چیز که مانع از هر اقدام گردید نداشتن سن سی سال بود، ولی بعد که اعتبارنامه بعضی از نمایندگان کمتر از سی سال به تصویب رسید من نیز به فکر وکالت افتادم و چون در طهران محلی برای انتخابم نبود به جهات زیر داوطلب نمایندگی از شهر اصفهان شدم:

1. از طبقه اعیان و اشراف در آن شهر کسی انتخاب نشده و محل آن خالی بود.^[18]
2. همسر در اصفهان دو ملک موروثی داشت موسوم به کاج و خواتون‌آباد که این علاقه سبب شده بود با بعضی از رجال و اعیان آن شهر آشنا بشوم.

3. شاهزاده سلطان حسین میرزا نیرالدوله حاکم اصفهان و یکی از ملاکین مهم نیشابور سال‌ها در نیشابور حکومت می‌کرد و با من که مستوفی خراسان بودم ارتباط داشت.
4. دوستان دیگری هم در تهران داشتم که می‌توانستند به من کمک بسیار بکنند، ولی غافل از آنکه در آن دوره نیز مثل ادوار بعد اعتبارنامه‌هایی که قبل از رسمی شدن مجلس مطرح شد بدون اعتراض گذشت و اعتبارنامه من که بعد می‌خواست مطرح شود در شعبهٔ مأمور به رسیدگی مورد اعتراض قرار گرفت و میرزا جواد خان مؤتمن‌الممالک نماینده کرمان و عضو شعبه که تاریخ وفات مرحوم مرتضی‌قلی خان وکیل‌الملک والی کرمان و شوهر اول مادرم را می‌دانست چنین استدلال نمود که اگر مادرم بلافاصله پس از ۴ ماه و ۱۰ روز عدهٔ قانونی با پدر ازدواج کرده بود و من هم نه ماه بعد از آن متولد شده بودم باز سی سال نداشتم. چون این حرف جواب نداشت صرف نظر کردم.
- این اعتراض که در آن دوره بر ضرر من بود در دوره شانزدهم تقنینیه [سال ۱۳۲۸ شمسی] به سودم تمام شد و علت این بود که در کابینه وثوق‌الدوله که هنوز قرارداد ۱۹۱۹ میلادی تصویب نشده ولی رویه کار دولت معلوم بود و من می‌خواستم از ایران بروم و در یکی از ممالک اروپا اقامت کنم احتیاج به گذرنامه داشتم که طبق تصویب‌نامه هیئت وزیران به کسانی داده می‌شد که دارای سجل احوال (شناسنامه) باشند. نظر به اینکه سال ولادتم در پشت قرآنی نوشته شده بود که در دست نبود، آن را بدون تحقیق و تشخیص اختلاف سال قمری با شمسی در کلانتری ۳ شهر تهران نوشتم که شناسنامه صادر شد، و موقع انتخابات دوره ۱۶ تقنینیه طبق آن شناسنامه از هفتاد تجاوز می‌کرد. این بود که عکس سنگ قبر مرحوم وکیل‌الملک کرمانی را که تاریخ وفاتش با تمام حروف روی آن منقور است از نجف خواستم و آن را به وزارت کشور فرستادم و با همان دلیل که مؤتمن‌الممالک ثابت کرده بود که سی سال نداشتم، ثابت کردم که سالم از هفتاد کمتر است که مورد تصدیق انجمن مرکزی انتخابات قرار گرفت و اعتبارنامه‌ام را صادر کردند.^[19]

ازدواج

سال ۱۲۸۰ خورشیدی، مصدق که در آن زمان ۱۹ سال داشت زهرا دختر **میر سید زین العابدین ظهیرالاسلام** سومین امام جمعه تهران را به همسری اختیار کرد. زهرا ملقب به شمس السلطنه بود. مادر زن مصدق دختر ناصرالدین شاه بود که لقب ضیالسلطنه را داشت و پس از مرگ وی این لقب به دخترش زهرا که همسر مصدق بود داده شد. ازدواج این دو ۶۴ سال تا پایان زندگانی ایشان ادامه یافت.^[20] این زوج دو پسر به نامهای احمد و غلام حسین و سه دختر به نامهای منصوره و ضیالشرف و خدیجه به دنیا آوردند.

ادامه تحصیلات و بازگشت به ایران

مصدق السلطنه در سال ۱۲۸۷ خورشیدی برای ادامه تحصیلات خود به فرانسه رفت و پس از پایان یافتن تحصیل در مدرسه علوم سیاسی پاریس به سوئیس رفت و به دریافت درجه دکترا در رشته حقوق در دانشگاه نوشاتل نائل آمد. موضوع پایان نامه دکترای وی ارث در احکام اسلامی بود. او اولین ایرانی است که در رشته حقوق دارای مدرک دکترا می‌باشد.

مصدق در سال ۱۲۹۳ خورشیدی به ایران بازگشت و به تدریس در مدرسهٔ علوم سیاسی تهران پرداخت. در همین زمان هم به تألیف و نشر آثاری همچون *کاپیتولاسیون و ایران*، دستور در محاکم حقوقی، شرکت‌های سهامی در اروپا پرداخت.

یک سال بعد برای مدتی به عضویت حزب اعتدال و سپس حزب دموکرات درآمد. و در آبان ماه همین سال به عضویت **کمیسیون تطبیق حوالجات** (جانشین دیوان محاسبات) از طرف مجلس سوم به مدت ۲ سال انتخاب شد.^[21]



دوران دانشجویی دکتر مصدق در سوئیس

والی گری و وزارت



نقاشی آبرنگ دکتر مصدق

نهضت ملی شدن نفت

دربار

محمد رضا شاه
پهلوی
ثریا اسفندیاری
اشرف پهلوی
تاج الملوک

نخست وزیران

محمد علی فروغی
علی سهیلی
احمد قوام
محمد ساعد
مرتضی قلی بیات
ابراهیم حکیمی
صدرالاشراف
عبدالحسین هژیر
علی منصور
حاجعلی رزم آرا
حسین علاء
احمد قوام
محمد مصدق
فضل الله زاهدی
حسین علا
منوچهر اقبال
علی امینی

چهره های مهم

محمد مصدق
 آیت‌الله کاشانی
 آیت‌الله بهبهانی
 محسن یزشکپور
 محمدرضا عاملی تهرانی
 نواب صفوی
 احمد کسروی
 کریم سنجابی
 علی شایگان
 حسین مکی
 عباس خلیلی
 اللهیار صالح
 داریوش فروهر
 سرتیپ افشارطوس
 حسین فاطمی
 احمد زیرک‌زاده
 کاترین لمبتون
 تیمور بختیار
 خلیل ملکی
 مظفر بقائی
 اسدالله رشیدیان
 اسکندر آزموده
 شعبان جعفری
 نعمت‌الله نصیری
 شاپور ریپورتر
 کریمیت روزولت
 نورمن شوارتسکف
 سیدضیاءالدین طباطبائی

احزاب و گروهها

سیا
 ام آی ۶
 جبهه ملی ایران
 حزب پان ایرانیست
 حزب توده ایران
 حزب ملت ایران
 حزب ایران
 حزب سومکا
 حزب دموکرات
 فدائیان اسلام
 شرکت نفت ایران و انگلیس

وقایع مهم

صنعت نفت ایران
 ایران جنگ جهانی دوم
 کمیسیون مخصوص نفت
 ملی شدن صنعت نفت
 قرارداد داریسی
 قرارداد ۱۹۳۳
 قرارداد گس-گلشائیان
 قرارداد کنسرسیوم
 رویداد ۳۰ تیر ۱۳۳۱
 رویداد ۹ اسفند ۱۳۳۱
 انحلال مجلس
 کودتای ۲۸ مرداد

بازگشت مصدق به ایران با آغاز جنگ جهانی اول مصادف بود. مصدق السلطنه با سوابقی که در امور مالی و مستوفی‌گری خراسان داشت به خدمت در وزارت مالیه دعوت شد. نزدیک چهارده ماه در کابینه‌های مختلف این سمت را نگه داشت.

در حکومت صمصام السلطنه به علت اختلاف با وزیر وقت مالیه (مشار الملک) از معاونت وزارت مالیه استعفا داد و هنگام تشکیل کابینه دوم وثوق الدوله به اروپا رفت.

در این دوران قرارداد ۱۹۱۹ به امضای وثوق الدوله رسید و مخالفت گسترده آزادی‌خواهان ایرانی با آن شروع شد. دکتر مصدق نیز در اروپا به انتشار نامه‌ها و مقاله‌هایی در مخالفت با این قرارداد اقدام کرد.

اندکی بعد مشیرالدوله که به جای وثوق الدوله به نخست‌وزیری انتخاب شد، او را برای تصدی وزارت عدلیه (دادگستری) به ایران دعوت کرد.

در بازگشت به ایران از راه بندر بوشهر، پس از ورود به شیراز بر حسب درخواست محترمین فارس عریضه‌ای به تهران برد و در تهران به والیگری (استانداری) فارس منصوب شد و تا کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ در این مقام ماند.

پس از کودتای سوم اسفند با نگارش مقالات و سخنرانی در میان رجال به مخالفت با این کودتا پرداخت.

دکتر مصدق دولت کودتا را به رسمیت نشناخت و از مقام خود مستعفی گشت و برای مصون ماندن از تعرض کودتاچیان به ایل بختیاری پناه برد و تا پایان سقوط کابینه سید ضیاء مهمان خوانین بختیاری باقی‌ماند.

هنوز مدت زیادی از توقف دکتر مصدق در دهکرد نگذشته بود که کابینه سید ضیاء‌الدین سقوط کرد. با سقوط کابینه سید ضیاء، قوام السلطنه به نخست‌وزیری رسید و مأمور تشکیل کابینه شد و دکتر مصدق را به وزارت مالیه (دارائی) انتخاب کرد.^[22] با سقوط دولت قوام السلطنه و روی کار آمدن دوباره مشیرالدوله از مصدق خواسته شد که والی آذربایجان شود. بخاطر سرپیچی فرمانده قشون آذربایجان از دستورهایش بدستور رضاخان سردار سپه، وزیر جنگ وقت، از این سمت مستعفی گشت و به تهران مراجعت کرد.

در خرداد ماه ۱۳۰۲ دکتر مصدق در کابینه مشیرالدوله به سمت وزیر خارجه انتخاب شد و با خواسته انگلیسی‌ها برای دو میلیون لیره که مدعی بودند برای ایجاد پلیس جنوب خرج کرده‌اند بشدت مخالفت نمود.

پس از استعفای مشیرالدوله، سردار سپه به نخست‌وزیری رسید و دکتر مصدق از همکاری با او خودداری کرد.

دوره رضاشاه

در سال ۱۳۰۲ مصدق کتاب حقوق پارلمانی در ایران و اروپا را تألیف کرد. دکتر مصدق در دوره پنجم و ششم مجلس شورای ملی به وکالت مردم تهران انتخاب شد. با مطرح شدن طرح انقراض سلسله قاجاریه در مجلس، او از اندک نمایندگانی بود که با این طرح مخالفت کرد. خلاصه استدلال او این بود که سردار سپه پس از این یا به موقعیتی که قانون اساسی برای پادشاه در نظر گرفته اکتفا می‌کند و کشور از خدمات او محروم می‌شود، یا تبدیل به یک حاکم مستبد خواهد شد و مشروطیت زیر سوال خواهد رفت. با انقراض پادشاهی خاندان قاجار رضا خان سردار سپه نخست‌وزیر وقت به شاهی رسید.

با پایان مجلس ششم و آغاز پادشاهی رضاشاه دکتر مصدق به علت ادامه مخالفت با دستگاه حاکمه رضاشاه خانه نشین شد و تا سال ۱۳۱۹ در خانه شخصی‌اش زیر نظر بود و حتی از تدریس در دانشکده منع شد. در اواخر سلطنت رضاشاه پهلوی به زندان افتاد ولی پس از چند ماه با کمک ارنست پرون (دوست ولیعهد) آزاد شد و زیر نظر در ملک خود در احمدآباد مجبور به سکوت شد.^{[23][24]} در سال ۱۳۲۰ پس از اشغال ایران به وسیله نیروهای شوروی و بریتانیا، رضا شاه از پادشاهی برکنار و به آفریقای جنوبی تبعید شد و دکتر مصدق از احمدآباد به تهران برگشت.

تشکیل جبهه ملی و نهضت ملی شدن نفت

دکتر مصدق پس از شهریور ۲۰ و سقوط رضاشاه در انتخابات دوره ۱۴ مجلس بار دیگر در مقام وکیل اول تهران به نمایندگی مجلس انتخاب شد. در این مجلس برای مقابله با فشار شوروی برای گرفتن امتیاز نفت شمال ایران، او طرحی قانونی را به تصویب رساند که دولت از مذاکره در مورد امتیاز نفت تا زمانی که نیروهای خارجی در ایران هستند منع می‌شد.

در انتخابات دوره ۱۵ مجلس با مداخلات قوام‌السلطنه (نخست‌وزیر) و شاه و ارتش، دکتر مصدق نتوانست قدم به مجلس بگذارد.^[25]

تاریخ مجلس به روایت - موزه مجلس شورای اسلامی ایران^[26]

در این دوره هدف عوامل وابسته به بریتانیا این بود که قرارداد سال ۱۹۳۳ دوره رضاشاه را به دست دولت ساعد مراغه‌ای و با تصویب مجلس تنفیذ کنند.^[27] بر اثر فشار افکار عمومی و همچنین مساعی اقلیت چهارنفره مجلس، خصوصاً سخنرانی چندین روزه حسین مکی در مخالفت با این لایحه، مقصود انگلیسی‌ها تأمین نشد و عمر مجلس پانزدهم به سر رسید.^[28] در ۱۳۲۸ دکتر مصدق و یارانش احمد ملکی (مدیر روزنامه ستاره)، دکتر محمدحسن کاپوایی، دکتر کریم سنجایی، مهندس احمد زیرک زاده، عباس خلیلی (مدیر روزنامه اقدام)، عمیدی نوری (مدیر روزنامه داد)، دکتر سید علی شایگان، شمس‌الدین امیرعلائی، سید محمود نریمان، ارسلان خلعتبری، ابوالحسن حائری زاده، حسین مکی، مظفر بقائی، عبدالقدیر آزاد، جلالی نایینی (مدیر روزنامه کشور) و دکتر حسین فاطمی، (هنگام کودتای ۲۸ مرداد از این گروه فقط ۳ یا ۴ نفر با مصدق بودند. بقیه یا کنار رفتند و یا آشکارا علیه جنبش ملی ایران قیام کردند و به کودتا پیوستند) اقدام به پایه گذاری جبهه ملی ایران کردند. گسترش فعالیت‌های سیاسی پس از شهریور ۱۳۲۰ سبب گسترش مبارزات مردم و به ویژه توجه آنان به وضع قرارداد نفت شده بود. دکتر مصدق در مجلس و بیرون از آن این جنبش را که به «نهضت ملی شدن نفت» معروف شد، هدایت می‌کرد.

مصدق در دوران نخست وزیری رزم آرا

در انتخابات مجلس شانزدهم ۱۳۲۸ از همان آغاز سپهبد حاجیعلی رزم آرا، رئیس ستاد ارتش تلاش کرد تا نیروهای نزدیک به خود را به مجلس بفرستد. مصدق و یارانش در جبهه ملی برای رویارویی با تقرب، به دربار متحصن شده و از شاه درخواست کردند تا جلوی دخالت ارتش در سیاست را بگیرد. این انتخابات با پیروزی رزم آرا (که بعداً با رای همین مجلس به نخست وزیری رسید) به پایان رسید. ولی با پشتیبانی سرلشکر فضل الله زاهدی (رقیب دیرینه رزم آرا) در مقام رئیس شهربانی و حمایت ضمنی شاه که آزمون رزم آرا را دشمن درجه یک خود میدید، صندوقهای ساختگی آراء تهران باطل شده و در نوبت دوم انتخابات تهران، اقلیت جبهه ملی به رهبری دکتر مصدق با کسب هشت کرسی از دوازده کرسی تهران به مجلس راه یافتند.

در سال ۱۳۲۹ اقلیت مجلس به شدیدترین شکل به رویارویی با نخست وزیر رزم آرا که قصد مصالحه با انگلیس در جریان نفت را داشت، پرداخت. رزم آرا چنین استدلال می کرد که ما توان فنی در اختیار گرفتن کامل صنعت نفت را نداریم و باید به افزایش سهم ایران از سود حاصل، به پنجاه درصد رضایت دهیم. همین باعث شد تا او را به عنوان یک خائن به منافع ملی ایران معرفی کنند. در بیرون از مجلس نیز جریانهای گوناگون کشور از دربار تا اسلامگرایان تندرو ائتلافی بر ضد رزم آرا ایجاد کرده بودند.

دکتر مصدق (۱۳۲۹) در آن دوران در مجلس و در مقام مخالفت با رزم آرا و انتقاد از برکناری سرلشکر زاهدی از ریاست شهربانی توسط رزم آرا، می گوید:

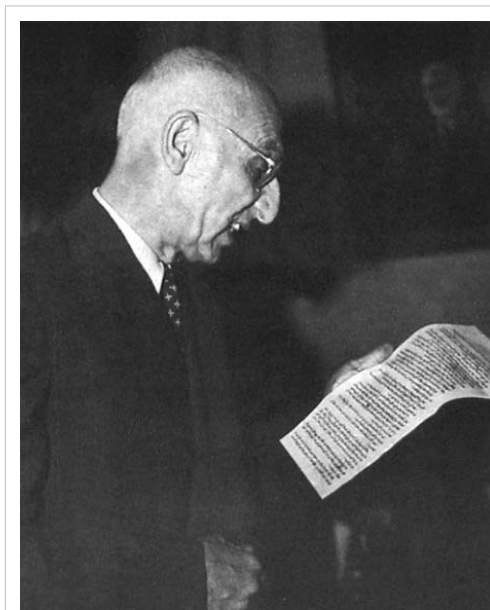
آن روزی که ما گفتیم باید شهربانی رئیسش منصرف نشود و موازنه سیاسی برقرار باشد برای این بود که ارتش دخالت در کار مملکت نکند و ارتش برود به وظیفه نظامی و ارتشی خود عمل بکند نه اینکه ارتش رئیس شهربانی را بردارد و یک ارتشی و یک افسری را در آنجا بگذارند که به تمام معنی تابع حکم ستاد ارتش باشد. خدا شاهد است اگر ما را بکشند. پارچه پارچه بکنند، زیر بار حکومت این جور اشخاص نمی رویم وحدانیت نیت حق خون می کنیم، خون می کنیم، می ریزیم، و کشته می شویم (باعصبانیت) اگر شما نظامی هستید من از شما نظامی ترم می کشم همینجا شما را می کشم.

[29] رزم آرا اگرچه لایحه قرارداد الحاقی نفت را از مجلس پس گرفت ولی مخالفتها با او ادامه یافت تا اینکه در روز شانزدهم اسفند سال ۱۳۲۹ سپهبد حاجیعلی رزم آرا در مسجد شاه تهران کشته شد. در این باره دو روایت وجود دارد. یکی اینکه خلیل طهماسبی، که پس از دستگیری در همان لحظه خود را عبدالله موحد رستگاری معرفی کرد، این کار را کرد. فداییان اسلام، گروه اسلامگرای وابسته به نواب صفوی، که آن زمان در اتحاد با آیت الله کاشانی و جبهه ملی بود، همان روز مسئولیت آن را به عهده گرفت. او پس از تصویب قانونی در مجلس شورای ملی مبتنی بر عفو قاتل رزم آرا به پیشنهاد شمس قنات آبادی و توشیح شاه آزاد شده و پس از کودتای ۲۸ مرداد، که دوباره بازداشت شد، قتل را منکر گشت. بنابر روایت فداییان اسلام، رزم آرا، هیچ اختلافی با شاه نداشت و شاه دشمن ملی شدن نفت بود. [30][31][32] روایت دیگر آن است که اگرچه خلیل طهماسبی قصد این کار را داشت ولی در واقع گلوله او به رزم آرا نخورد، بلکه نخست وزیر ایران با گلوله‌ای با کالیبر بزرگ مربوط به یک اسلحه کلت کمبری که تنها در اختیار ارتش بود، کشته شده است. و ضارب واقعی یک گروهبان ارتش بود (از محافظان رزم آرا) که با هماهنگی دربار و شخص اسدالله علم این قتل را انجام داده است. [33][34][35][36][37][38] بنابر روایت دوم، در آن مقطع، شاه مخالف رزم آرا بوده و از آن می ترسیده که رزم آرا کودتا کرده و قدرت را در دست بگیرد. [39]

مصدق در خاطرات خود می گوید:

قاتل رزم آرا هر که بود رفع کدورت از ذهن اعلی حضرت کرد

فردای قتل رزم آرا، روز ۱۷ اسفند ۱۳۲۹ کمیسیون نفت پیشنهاد ملی کردن صنعت نفت را تصویب و اعلام کرد. قانون ملی شدن صنایع نفت در مجلس شورای ملی در تاریخ ۲۷ اسفند ۱۳۲۹ و در مجلس سنا در تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ به تصویب رسید. [40]



محمد مصدق، در حال سخنرانی در دادگاه بین‌المللی لاهه

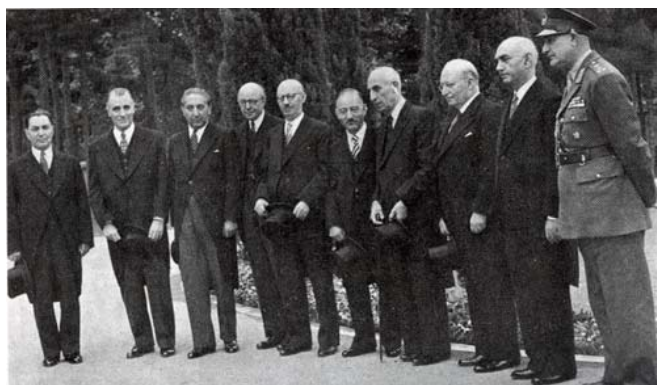
نخست وزیری دوره اول

نوشتار اصلی: نخست وزیری محمد مصدق

با امضای قانون ملی شدن نفت از سوی شاه و رسمیت یافتن آن، حسین علاء که بعد از رزم آرا نخست وزیر شده بود، استعفا کرد. در این زمان شاه یک سیاستمدار قدیمی و آنگلوفیل به نام سید ضیاءالدین طباطبائی را نامزد نخست وزیری نمود. اما در مجلس جمال امامی نماینده طرفدار دربار در حین مذاکرات به دکتر مصدق پیشنهاد نخست وزیری می‌نماید که برخلاف دفعات پیش این بار پذیرفت. به این شرط که در همان جلسه قانون خلع ید از شرکت نفت ایران و انگلیس به تصویب برسد.^[41]



مصدق و محمدرضا پهلوی در اولین دیدار پس از نخست وزیری مصدق



دکتر مصدق در کنار اعضای کابینه اولش

اولین اعضای پیشنهادی کابینه دکتر مصدق به مجلس شورای ملی عبارت بودند از (جلسه پنجشنبه ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ مجلس شورای ملی):

1. دکتر محمد مصدق (نخست‌وزیر).
2. حکیم‌الدوله ادهم (وزیر بهداشت).
3. یوسف مشار (وزیر پست و تلگراف و تلفن).
4. سید باقر کاظمی (وزیر امور خارجه).
5. جواد بوشهری (وزیر راه).
6. محمدعلی وارسته (وزیر دارایی).
7. علی هیأت (وزیر دادگستری).
8. فرمند (وزیر کشاورزی).
9. سپهبد نقدی (وزیر جنگ).
10. سرلشکر فضل‌الله زاهدی (وزیر کشور).
11. امیر تیمور کلالی (وزیر کار).
12. دکتر کریم سنجابی (وزیر فرهنگ).



دیدار مصدق و ترومن در کاخ سفید در سال ۱۳۳۰

13. شمس‌الدین امیر علائی به سمت وزیر اقتصاد ملی
14. فضل‌الله نبیل به سمت معاونت وزارت امور خارجه
15. دکتر سیدحسین فاطمی به سمت معاونت نخست‌وزیری



دیدار مصدق از آرامگاه سربازان گمنام در ایالت ویرجینیا

همچنین افراد زیر نیز جهت خدمت در دولت فراخوانده شدند: مهندس بازرگان به سمت معاونت وزارت فرهنگ - مهندس احمد زیرک زاده به سمت معاونت وزارت اقتصاد ملی - دکتر کیا به سمت معاونت وزارت بهداری - سرلشکر وثوق به سمت معاونت وزارت جنگ - فیوضات به سمت معاونت وزارت فرهنگ - دکتر سمیعی به سمت معاونت وزارت- منصوب شد.

برنامه‌های دولت هم بدین شرح به مجلس تقدیم گردید: متن برنامه

۱ - اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور بر طبق قانون طرز اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور مورخه نهم اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ و تخصیص عواید حاصله از آن به تقویت بنیه اقتصادی کشور و ایجاد موجبات رفاه و آسایش عمومی.

۲ - اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای ملی و شهرداریها.

البته نظریات اصلاحی دولت منحصر به این دو ماده نیست و عجتاً از ذکر جزئیات صرفنظر و در موقع خود لویح ضروری را برای اصلاحات لازم تقدیم خواهد نمود و بسیار ممنون و خوشوقت خواهد شد که نمایندگان محترم مجلس شورای ملی و سنا راهنماییها و هدایتهای لازم به دولت برای اصلاحات بفرمایند.

اساس سیاست خارجی دولت هم مبتنی بر منشور ملل متحد و تقویت این سازمان بین‌المللی و دوستی با کلیه دول و احترام متقابل نسبت به همه ملل می‌باشد.

دولت دکتر مصدق در مورخ ۱۵ اردیبهشت ۱۳۳۰ توانست از میان ۱۰۲ نفر عده حاضر با کسب ۹۹ رای موافق رای اعتماد مجلس را کسب نماید.

این ترکیب هیات دولت تا پایان مجلس شانزدهم بارها تغییر پیدا کرد.

دکتر مصدق بلافاصله پس از نخست وزیری اجرای خلع ید از انگلیسیها را در دستور کار قرار داد. و حسین مکی و مهدی بازرگان را به این منظور به آبادان فرستاد. بیرون راندن شرکت انگلیسی باعث اعتراض دولت بریتانیا شد. با شکایت دولت انگلیس از دولت ایران در شورای امنیت سازمان ملل، دکتر مصدق عازم نیویورک شد و به دفاع از حقوق ایران پرداخت. نتیجه به نفع ایران شد و شورای امنیت ادله ایران که این منازعه بین دولت ایران و یک شرکت تجاری است و نه منازعه‌ای میان دو دولت که در صلاحیت شورای امنیت باشد، را پذیرفت. در سال بعد مصدق به دادگاه لاهه رفت تا در آنجا به شکایت شرکت انگلیسی پاسخ دهد. در آنجا نیز دادگاه بین‌المللی که در راس آن یک قاضی انگلیسی به نام سر آرنولد مک نایر بود شکایت بریتانیا را وارد ندانست و مصدق در احقاق حق ملت ایران به پیروزی دست یافت. وکالت ایران در این پرونده را دکتر هانری رولن رییس سابق مجلس سنای بلژیک بر عهده گرفت و برای این کار از دولت ایران دستمزدی دریافت نکرد. دکتر حسین علی آباد از دانشکده حقوق دانشگاه تهران نیز وی را در این کار همراهی می‌کرد. نطق‌های دفاعیه ایران در این دادگاه توسط دکتر مصدق ایراد شد. وی در راه بازگشت به ایران به مصر رفت و مورد استقبال نخست وزیر ملی گرای آن زمان مصر سعد زغلول قرار گرفت.^[42]

دولت مصدق تا آغاز تشکیل مجلس ۱۷ چندین تغییر را به خود دید.

- اولین تغییر انتخاب امیر علایی بجای تیمسار زاهدی پس از ۳ ماه از شروع کار کابینه بود. (۱۳ مرداد ماه ۱۳۳۰)
- دومین تغییر در ۱۱ مهر ماه ۱۳۳۰ انجام می‌شود:

سیدباقر کاظمی به سمت کفالت نخست‌وزیری در مدت غیبت نخست‌وزیر- دکتر حسن ادهم به سمت وزیر مشاور- محمود نریمان به سمت وزیر دارایی- دکتر محمدعلی ملکی به سمت وزیر بهداری- معرفی می‌گردند.

- در سومین تغییر (۱۰ آذر ماه ۱۳۳۰):

امیر علایی به سمت وزارت دادگستری- سپهبد یزدان‌پناه به سمت وزارت جنگ- دکتر علی امینی به سمت وزارت اقتصاد ملی- امیر تیمور به سمت وزارت کشور معرفی شده‌اند.

- آخرین تغییر در دوران مجلس ۱۶ به این شرح بود:

دکتر محمود حسایی به سمت وزارت فرهنگ - دکتر غلامحسین صدیقی به سمت وزارت پست و تلگراف و تلفن - فروزان به سمت کفالت وزارت دارایی - مهندس خلیل طالقانی به سمت وزارت کشاورزی معرفی شده‌اند.

دکتر مصدق در دوره شانزدهم ۴ بار از مجلس شورای ملی رای اعتماد می‌گیرد:

توضیحات	موافقین	حاضرین	تاریخ
معرفی کابینه و شروع کار دولت	۹۹	۱۰۲	۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۳۰
---	۹۱	۹۲	سیام خرداد ماه ۱۳۳۰
اولین و دومین تغییر در کابینه	۷۲	۸۱	۳۰ مرداد ۱۳۳۰
سومین تغییر	۹۰	۱۰۷	۳ آذر ماه ۱۳۳۰

وزیران کابینه اول محمد مصدق

رد	وزیر	وزارتخانه	رد	وزیر	وزارتخانه
۱	حسن لقمان‌آدم، محمدعلی ملکی	بهداری	۷	حسنعلی فرمند، خلیل طالقانی	کشاورزی
۲	یوسف مشار، غلامحسین صدیقی	پست و تلگراف	۸	سپهبد نقدی، سپهبد یزدان‌پناه	جنگ
۳	باقر کاظمی	امور خارجه	۹	سرلشکر زاهدی، امیرعلائی، امیر تیمور کلالی	کشور
۴	جواد بوشهری	راه	۱۰	امیر تیمور کلالی	کار
۵	محمدعلی وارسته، محمود نریمان	دارایی	۱۱	کریم سنجایی، محمود حسایی	فرهنگ
۶	علی هیات، شمس‌الدین امیرعلائی	دادگستری	۱۲	شمس‌الدین امیرعلائی، علی امینی	اقتصاد ملی

وزیر مشاور: حسن لقمان‌آدم
معاون پارلمانی نخست وزیر: حسین فاطمی
کفالت نخست وزیری: باقر کاظمی

انتخابات مجلس ۱۷ و کناره گیری مصدق

انتخابات دوره هفدهم مجلس با درگیری همراه بوده و به تشنج کشیده شد. کار بجایی رسید که پس از انتخاب ۸۰ نماینده، دکتر مصدق به دلیل دخالت ارتش و دربار با وجود دستور عدم دخالت ارتش مجبور شد دستور توقف انتخابات حوزه‌های باقی‌مانده را صادر کرد.^[43] ولی برخی مورخین عقیده دارند مصدق با پی بردن به اینکه جناح مخالف، اکثریت قابل توجه کرسیهای استانی را بدست خواهند آورد، پس از اینکه انتخاب شونده‌گان به حد نصاب رسیدند (هفتاد و نه نماینده)، انتخابات را متوقف کرد.^[44] بدین ترتیب، در مجلس هفدهم، نماینده‌ای از بسیاری از شهرهای بزرگ مانند شیراز و اصفهان و مشهد و کل خوزستان و بخشهایی از مازندران و کردستان و همدان و لرستان حضور نداشت و کرسی ۵۵ نماینده خالی مانده بود. مصدق بعد از بازگشت از لاهه به تهران، در ۱۹ تیر از مجلس شورای ملی تقاضای رای اعتماد کرد و با ۵۲ رأی موافق، ۳ مخالف و ۱۰ رای ممتنع مأمور تشکیل کابینه شد.

مجلس سنا در ابراز تمایل به او تعلق ورزید و سرانجام با وساطت شاه که حمایت گسترده افکار عمومی و شخصیتها را از دکتر مصدق می‌دید، سناتورها به اکره در ۱۸ تیرماه تشکیل جلسه داده و از میان ۳۶ سناتور حاضر، فقط ۱۴ نفر به دکتر مصدق رأی دادند و ۱۹ نفر رأی سفید (ممتنع) دادند و یک نفر هم به فضل الله زاهدی رأی داد. به این ترتیب، دکتر مصدق اکثریت مطلق را در مجلس سنا کسب نکرد و قاعدتاً می‌بایست کنار رود. ولی شاه به سناتورها پیغام داد که مخالفت نکنند. سناتورها نیز بدون آنکه تشکیل جلسه بدهند به مصدق اطلاع دادند که در موقع اخذ رأی اعتماد اکثریت آرا را خواهد داشت.^[45] با آغاز به کار دور جدید مجلس در تیرماه ۱۳۳۱ مصدق از شاه درخواست کرد تا وزیر جنگ را او برگزیند و پیشنهاد کرد که خود او همزمان وزارت جنگ را نیز بر عهده بگیرد. شاه در جواب دکتر مصدق که در خواست وزارت جنگ را کرده بود می‌گوید:

پس بفرمایید که من چمدان خود را ببندم و از این مملکت بروم

استدلال مصدق برای تصدی وزارت جنگ این بود که:

تا دخالت دربار در آن کم شود و کارها در صلاح مملکت پیشرفت کند... چون ستاد ارتش زیر نظر ملوکانه قرار گرفته هر امری که می‌فرمودند اجرا می‌شد ولی دولت که مسوول بود کاری نمی‌توانست بکند و نمی‌کرد.

[46]

مذاکرات مصدق و شاه در این مورد به جایی نرسید و دکتر مصدق در ۲۵ تیرماه ۱۳۳۱ از مقام خود استعفا کرد.

متن کناره گیری مصدق از نخست وزیری:

پیشگاه مبارک علیحضرت همایون شاهنشاهی. چون در نتیجه تجربیاتی که در دولت سابق به دست آمده پیشرفت کار در این موقع حساس ايجاب می‌کند که پست وزارت جنگ را فدوی شخصاً عهده دار بشود و این کار مورد تصویب شاهانه واقع نشد، البته بهتر آن است که دولت آینده را کسی

تشکیل دهد که کاملاً مورد اعتماد باشد و بتواند منویات شاهانه را اجرا کند با وضع فعلی ممکن نیست مبارزهای را که ملت ایران شروع کرده پیروزمندانه خاتمه دهد. فدوی - دکتر محمد مصدق

[47]

پس از اعلام تمایل مجلس به قوام، شاه، فرمان نخست وزیری او را صادر کرد. قوام که از همان آغاز با مخالفت سرسختانه مجلسیان روبه‌رو شده بود، از شاه تقاضا کرد مجلس را منحل کند، اما شاه موافقت نکرد. قوام نیز با صدور بیانیه شدیدالحنی نخست‌وزیری خود را آغاز کرد. بیانیه او بر «جدایی دین از سیاست» تأکید کرده و درباره «ارتجاع سیاه مذهبی» هشدار می‌داد و چنین پایان می‌افت: «کشتیبان را سیاستی دگر آمد». این بیانیه در حقیقت باعث گردید که همه نیروهای سیاسی از جبهه ملی و حزب توده تا فداییان اسلام در یک جبهه‌ای واحد برای کناره‌گیری قوام گرد هم آیند. حزب توده که در عین غیرقانونی اعلام شدنش از چند سال پیش، بزرگترین حزب و تشکیلات ایران بود از این زمان به شکل علنی فعالیتش را آغاز کرد. همچنین اسلامگرایان به جهت اشاره قوام به «جدایی دین از سیاست» در اعلامیه‌اش، به شدیدترین شکل به رویارویی با او پرداختند. رهبران مذهبی و در راس آنها آیت‌الله کاشانی بازارها را به تعطیلی کشانده و اخطار کردند که اگر قوام بر سر کار بماند، حکم جهاد می‌دهند.^[48]

نخست وزیری دوره دوم

نوشتار اصلی: نخست وزیری محمد مصدق



کابینه دوم دکتر مصدق

در پی تظاهرات در ۳۰ تیر ۱۳۳۱ که به کشته شدن چند نفر انجامید، قوام به دلیل عدم پذیرش انحلال مجلس از سوی شاه استعفا کرد^[49] و دکتر مصدق با رای تمایل مجلس (۶۱ رای از ۶۴ نماینده) بار دیگر به نخست‌وزیری ایران رسید.

در ۵ مردادماه سال ۱۳۳۱، دکتر مصدق وزیران کابینه خود را به این شرح به مجلس شورای ملی معرفی کرد و نام وزارت جنگ را به وزارت «دفاع ملی» تغییر داد.

1. دکتر مصدق سمت وزارت دفاع
2. باقر کاظمی را به عنوان نایب نخست وزیر
3. دکتر غلامحسین صدیقی وزیر کشور
4. دکتر مهدی آذر وزیر فرهنگ
5. حسین نواب وزیر خارجه
6. عبدالعلی لطفی وزیر دادگستری
7. مهندس طالقانی وزیر کشاورزی

روز بعد مجلس کابینه را تأیید کرد. و توانست از ۶۹ نماینده حاضر با کسب ۶۸ رای مثبت کسب اعتماد مجلس را جلب نماید.^[50] در دوره دوم نخست وزیری مصدق این افراد جهت معاونت در وازرتخانه‌های مختلف فرا خوانده شدند: مهندس داریوش به سمت معاونت وزارت پست و تلگراف معرفی - دکتر ملک اسمعیلی به سمت معاونت وزارت دادگستری - دکتر محمدحسین علی‌آبادی به سمت معاونت پارلمانی نخست‌وزیر - دکتر نصیری به سمت معاونت وزارت فرهنگ - مفتاح به سمت معاونت وزارت امور خارجه - سرتیپ مهنا به سمت معاونت وزارت دفاع ملی - شهشهانی به سمت معاونت وزارت کشور - مهندس زاهدی به سمت معاونت وزارت کشاورزی - قریب به سمت معاونت وزارت دارایی - دکتر ملک اسمعیلی به سمت معاونت سیاسی و پارلمانی نخست‌وزیر - علی مصطفوی به سمت معاونت وزارت دادگستری -

برنامه‌های دولت او برای رای اعتماد به این شرح اعلام شد^[50]:

سیاست خارجی دولت مبتنی بر منشور ملل متحد و تقویت این سازمان بین‌المللی و دوستی با کلیه دول و احترام متقابل نسبت به همه ملل می‌باشد و در سیاست داخلی نظر به اوضاع و احوال فعلی اصلاحاتی در امور کشور ضرورت دارد که مواد آن را به شرح ذیل تقدیم داشته و درخواست تصویب آن را دارد:

1. اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای ملی و شهرداریها.
2. اصلاح امور مالی و تعدیل بودجه به وسیله تقلیل در مخارج و برقراری مالیاتهای مستقیم و در صورت لزوم مالیاتهای غیر مستقیم.
3. اصلاح امور اقتصادی به وسیله افزایش تولید و ایجاد کار و اصلاح قوانین پولی و بانکی.



تظاهرات دانشگاهیان که تبدیل به تظاهرات عمومی به نفع مصدق شد، اسفند ۱۳۳۱.

4. بهره‌برداری از معادن نفت کشور.
 5. اصلاح سازمانهای اداری و قوانین استخدام کشوری و قضایی.
 6. ایجاد شورای محلی در دهات به منظور اصلاحات اجتماعی و تأمین مخارج این اصلاحات به وسیله وضع عوارض.
 7. اصلاح قوانین دادگستری.
 8. اصلاح قانون مطبوعات.
 9. اصلاحات امور فرهنگی و بهداشتی و وسائل ارتباطی.
- همچنین از این زمان ریاست مجلس به آیت‌الله کاشانی سپرده شد. با اینحال به مرور او و برخی از قدیمی‌ترین یاران مصدق از جمله ابوالحسن حائری زاده، دکتر بقایی و حسین مکی که از موسسین جبهه ملی و از نخستین هواداران ملی شدن نفت در مجلس پانزدهم بودند، از او فاصله گرفته و حتی به مقابله مستقیم با دولت پرداختند. همچنین زاهدی که به دلیل تلاش در برگزاری انتخابات آزاد در انتخابات مجلس شانزدهم در تهران، پس از به نخست وزیری رسیدن مصدق، به وزارت کشور رسیده بود، کنار گذاشته شده و در مجلس سنا خود را به عنوان رهبر اپوزیسیون هوادار شاه و مخالف مصدق اعلام نمود. مصدق در دوره فعالیت مجلس ۱۷ تا کودتای ۲۸ مرداد جمعاً ۴ بار از مجلس شورای ملی رای اعتماد کسب نمود.

تاریخ	حاضرین	موافقین	توضیحات
۷ مرداد ماه ۱۳۳۱	۶۹	۶۸	معرفی اولین کابینه پس از قوام
۲۵ شهریور ۱۳۳۱	۶۱	۶۰	انتخاب سید حسین فاطمی به وزارت امور خارجه
۱۶ آذر ماه ۱۳۳۱	---	---	انصراف از سووال و اعلام اعتماد به دولت
۱۶ دی ماه ۱۳۳۱	۶۵	۶۴	انتخاب مهندس رجیبی به سمت وزیر مشاور مهندس حق شناس به وزارت راه

همچنین در کابینه دوره دوم او ۲۷ مهر ماه ۱۳۳۱ انتخاب دکتر حسین فاطمی به سمت وزارت امور خارجه و در ۱۹ بهمن ماه ۱۳۳۱ آقای مهندس رجیبی به سمت وزیر مشاور و آقای مهندس جهانگیر حق شناس به وزارت راه آخرین تغییرات در کابینه دکتر مصدق بودند.

وزیران کابینه دوم محمد مصدق

رد	وزیر	وزارت‌خانه	رد	وزیر	وزارت‌خانه
۱	صبار فرمانفرمایان	بهداری	۷	خلیل طالقانی	کشاورزی
۲	سیف‌الله معظمی	پست و تلگراف	۸	محمد مصدق	دفاع ملی
۳	حسین نواب، حسین فاطمی	امور خارجه	۹	غلامحسین صدیقی	کشور
۴	داوود رجیبی، جهانگیر حق شناس	راه	۱۰	ابراهیم عالمی	کار
۵	باقر کاظمی	دارایی	۱۱	مهدی آذر	فرهنگ
۶	عبدالعلی لطفی	دادگستری	۱۲	علی اکبر اخوی	اقتصاد ملی

وزیر مشاور: مهندس رجیبی
 معاون پارلمانی نخست وزیر: محمدحسین علی‌آبادی، عزیزالله ملک اسمعیلی
 نایب نخست وزیری: باقر کاظمی، غلامحسین صدیقی

توطئه ۹ اسفند ۱۳۳۱

در بهمن ۱۳۳۱ علا وزیر دربار طی دیداری به اطلاع مصدق می‌رساند که محمدرضا پهلوی برای انجام معالجه ایران را به سمت یک کشور خارجی ترک می‌کند و این موضوع محرمانه است.^{[51][52]} در صبح روز ۹ اسفند قرار می‌شود که دکتر مصدق به همراه وزراء برای امور مربوط به تشریفات به دربار بروند. دکتر مصدق که به درخواست شاه برای خداحافظی دربار رفته بود، در بازگشت با تظاهراتی از طرف هواداران شاه بر ضد او شکل گرفت مواجه می‌شود که که توطئه‌ای هدایت شده توسط شاه برای به قتل رساندن او بود.^{[53][54]} ماجرا از این قرار بود که شاه بظاهر به دکتر مصدق اطلاع می‌دهد که عازم مسافرت خارج از کشور است و تنها ایشان از این موضوع اطلاع دارند^[55] و لازم است که برای خداحافظی نخست وزیر و وزراء به حضور شاه آمده تا صحبت نمایند.^[56] در هنگام مذاکرات دکتر مصدق با شاه سفیر امریکا هندرسن چندین بار از دکتر مصدق (از طریق پیغام تلفنی) می‌خواهد که از کاخ خارج شده و به منزلش برگردد تا با او مذاکراتی را انجام دهد که این امر رخ نمی‌دهد.^[57] طرفداران شاه به هدایت آیت‌الله بهبهانی، شعبان جعفری (شعبان بی مخ) و تعدادی از افسران اخراجی ارتش و ارادل و اوباش در جلوی کاخ حضور پیدا کرده^[58] و پس از اینکه دکتر مصدق بجای درب اصلی از درب دیگری خارج می‌شود به هدایت شاپور حمید رضا به خانه وی حمله می‌کنند.^[59] که مصدق از خانه خود به منزل پسرش دکتر غلامحسین مصدق و از آنجا به ستاد ارتش رفته و اقدام‌های لازم برای مقابله با این شورش را انجام می‌دهد. این عمل شاه باعث قطع ارتباط مصدق با دربار شد به گونه‌ای که دیگر شاه و مصدق یکدیگر

را ندیدند. [60][61]

قتل سرتیپ افشار طوس

نوشتار اصلی: محمود افشار طوس



سرتیپ افشار طوس

تیمسارافشار طوس پس از اخذ درجه سرتیپی در سال ۱۳۳۱ به ریاست شهربانی تهران رسید. وی در همان سال، به اتفاق جمعی از افسران طرفدار نهضت ملی، گروهی به نام افسران ملی را تشکیل داد. در این زمان، وی نقش زیادی در جلوگیری از حرکت‌های مخالفان نهضت ملی شدن صنعت نفت ایفا نمود. در اردیبهشت ماه ۱۳۳۲ سرتیپ افشارطوس، رئیس شهربانی و از هواداران دکتر مصدق، ربوده شده و جسدش پس از چند روز کشف گردید. اسامی متهمان این پرونده هم به قرار زیر بود: ۱- حسین خطیبی ۲- سرتیپ بازنشسته علی اصغر مزینی ۳- سرتیپ بازنشسته علی اکبر منزه ۴- سرتیپ بازنشسته نصرالله بایندر ۵- سرتیپ بازنشسته نصرالله زاهدی ۶- سرگرد بازنشسته فریدون بلوچ قرائی ۷- سرهنگ بازنشسته علی محمد هاشم زاده ۸- هادی افشار قاسملو ۹- احمد بلوچ قرائی ۱۰- عبدالله امیر علائی ۱۱- عباسعلی نخلی ۱۲- امیر رستمی ۱۳- شهریار بلوچ قرائی ۱۴- ناصر زمانی ۱۵- نصیر محمدی ۱۶- مظفر بقائی کرمانی (دستگیر نشده) ۱۷- مهندس علیرضا قره گزلو (متواری) که کسانی چون بقائی و خطیبی و سرتیپ‌های بازنشسته عوامل اصلی و سایرین و مجری نظرات آنها بوده اند. در نهایت بجز بقائی، سایر متهمان اصلی پرونده بازداشت شدند و پس از ۲۵ مرداد بقایی هم بازداشت شد اما به فاصله بسیار کمی ۲۸ مرداد رخ داد (۳۰ تیر ۱۳۳۱، نهم اسفند ۱۳۳۱ و ۲۸ مرداد ۱۳۳۲). [62][63] در پی این ماجرا تیمسار زاهدی در ۱۴ اردیبهشت ماه به مجلس رفته و در آنجا متحضر شده و تا ۲۹ تیرماه در آنجا با موافقت آیت‌الله کاشانی باقی می‌ماند و در ۲۹ تیرماه با توجه به تغییر ریاست مجلس و درخواست ایشان مجلس را ترک می‌نماید و مخفی می‌شود.

استیضاح

با وجود حمایت کاشانی از بقایی و زاهدی (متهمین پرونده قتل تیمسار افشار طوس) دولت اقدام به ارایه لایحه عدم مصونیت دکتر بقایی در مجلس و جلب زاهدی که در مجلس تحضر کرده بود می‌دهد. همین باعث شد تا شکاف بین مصدق و کاشانی علنی تر گردد و این دو در روبروی هم قرار بگیرند. در انتخابات هیات رئیسه مجلس در تیرماه ۱۳۳۲ هواداران دولت در مجلس، دکتر عبدالله معظمی از نزدیکان دکتر مصدق را با ۴۱ رای در برابر ۳۰ رای کاشانی به ریاست برگزیدند.

در روز ۱۵ تیر علی زهری از حزب زحمتکشان، دولت را به اتهام شکنجه متهمان پرونده قتل سرتیپ افشارطوس، استیضاح کرد. در روز ۱۸ تیر، وزیر کشور، در مجلس حاضر شده و با اعلام اینکه نخست وزیر کسالت دارد، خود را مأمور نخست وزیر دانست. در این جلسه نمایندگان مخالف اعتراض کردند که نخست وزیر دو سال است در جلسات مجلس حاضر نشده‌است. همچنین حائری زاده تاکید کرد که در شش دوره‌ای که در مجلس بوده، سابقه نداشت، نخست وزیر، (حتی رضاخان) هنگام تعیین وقت استیضاح، به جای آنکه خود بیاید نماینده به مجلس بفرستد. در پایان روز ۲۳ تیرماه ۱۳۳۲ برای استیضاح معین گردید. بلافاصله پس از آن حسین مکی (مخالف سرسخت مصدق) با ۴۱ رای از ۷۲ نماینده حاضر، به عضویت هیات نظارت بر اندوخته اسکناس برگزیده شد. این واپسین تصمیم مجلس هفدهم بود. [64]

رفراندوم

نمایندگان طرفدار مصدق در حمایت از ابقای دولت و انحلال مجلس استعفا دادند. همین باعث شد تا دیگر جلسات مجلس به حد نصاب نرسیده و تشکیل نشود. از طرف دیگر مصدق رفراندومی با موضوع انحلال مجلس و ابقای دولت برگزار کرد. این نخستین همه‌پرسی تاریخ سیاسی ایران است. تصمیم دکتر مصدق برای انحلال مجلس و ابقای دولت از طریق مراجعه به همه پرسی در حالی که کمتر از یک سال از عمر آن مانده بود، باعث مخالفت جمعی از برجسته ترین مشاوران و هواداران دکتر مصدق از جمله دکتر معظمی، دکتر شایگان، دکتر کریم سنجابی، دکتر غلامحسین صدیقی، مهندس احمد رضوی، خلیل ملکی و محمود نریمان شد. آنها تلاش کردند که مصدق را از تصمیم خود منصرف کنند اما او بر سر رای خود باقی ماند. مهندس رضوی (نایب رئیس مجلس) در اعتراض به دکتر مصدق در جلسه فراکسیون نهضت ملی که صبح روز ۲۳ تیرماه ۱۳۳۲ در منزل نخست‌وزیر تشکیل شد، گفت:

آقای دکتر مصدق شما تا به حال هرچه خواستید به ما تحمیل کردید و ما حرفی نزدیم... شما بر خلاف قانون اساسی از مجلس اختیار گرفتید و بر خلاف قانون ۲سال است که حکومت غیرقانونی نظامی اعلام فرموده‌اید و برخلاف قانون در انتخاب رئیس مجلس دخالت نمودید و با تمام این جریانات ما چیزی نگفتیم ولی دیگر در مورد رفراندوم سکوت نمی‌کنیم

[65]

دکتر معظمی رئیس مجلس شورای ملی نیز در جلسه‌ای که در مجلس برگزار شد، ضمن مخالفت با referendum انحلال مجلس به دکتر مصدق گفت: در قوانین، referendum سابقه ندارد و اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان با آن مخالف هستند و بهتر است که این مطلب با میانجیگری حل شود و این کدورت برطرف گردد

[66]

همچنین آیت‌الله کاشانی در اعلامیه‌ای در ۳۲/۵/۱۰ referendum را تحریم کرد. در این اعلامیه آمده بود: «هموطنان و برادران عزیزم، ضمن اعلامیه قبلی از مفسد و مضار referendum شرحی متذکر و همه مستحضر گردیده و توجه دارند که عمل به آن چه ضررهایی برای دیانت و ملت و مشروطیت و مملکت در بردارد، با این حال دوران خود را دوره انقراض دیانت و استقلال مملکت و ملت قرار ندهید و طوق رقیبت و اسارت و بندگی را به گردن خود نگذارید. شرکت در referendum خانه‌برانداز که با نقشه اجانب طرح‌ریزی شده، مبعوض حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه و حرام است. البته و البته هیچ مسلمان وطن‌خواهی شرکت نخواهد کرد، گرچه ممکن است بعضی اشخاص غافل و بی‌اطلاع از حقایق و مضار آن و خائنین وطن فروش برای انجام مقاصد شوم دیگران در referendum شرکت کنند یا این که دولت صندوق را از آرای قلابی پر کنند. علی‌ای حال عمل به referendum بر خلاف قانون اساسی و مصلحت مملکت و ملت بوده و هیچ‌گونه اثر قانونی ندارد».^[67]

آیت‌الله سید محمد بهبهانی نیز در نامه‌ای از دکتر مصدق خواست تا در تصمیم خود برای انحلال مجلس و ابقای دولت تجدید نظر کند. همچنین دکتر مظفر بقایی طی تلگرافی به دکتر مصدق خاطر نشان کرد در صورتی که وی از انجام referendum انحلال مجلس صرف نظر کند، حاضر است به اتفاق علی زهری از سمت نمایندگی مجلس استعفا کند. در این زمان مصدق در ملاقات با هندرسون، سفیر آمریکا می‌گوید که انگلیسیها ۳۰ نفر از نمایندگان مجلس را خریدند و با کمی تلاش بیشتر می‌توانند ۱۰ نفر دیگر را هم بخرند و دولت را بیندازند. ما باید این مجلس را ببندیم.^[68]

در این میان حزب توده با انحلال مجلس و ابقای دولت موافق بود و در جریان referendum هم اعضا و هواخواهان این حزب حضور داشتند و علاوه بر این از دولت خواسته بودند که علاوه بر انحلال مجلس برای تشکیل مجلس موسسان و تغییر قانون اساسی اقدام کند.^[69]

این همه‌پرسی به خاطر هم‌زمان نبودن رای‌گیری در تهران و شهرستان‌ها و جدا بودن صندوق‌های مخالفان و موافقان مورد انتقاد بسیاری قرار گرفت. در تهران برای موافقان صندوق‌هایی در میدان‌های سپه و راه‌آهن و برای مخالفان صندوقهایی در میدان‌های بهارستان و محمديه قرار داده شده بود.^[70]

روزنامه لوموند فرانسه از تهران چنین گزارش می‌دهد: «... به نظر می‌رسد که یک توافق ضمنی بین حزب توده و جبهه ملی برقرار شده‌است، به این شکل که طرفداران جبهه ملی در میدان سپه و طرفداران حزب توده در ایستگاه (راه آهن) آراء خود را به صندوق بریزند. تمام سفارتخانه‌ها بسته‌اند و حدود سه هزار نیروی نظامی از ۴ نقطه محل اخذ رأی و نقاط استراتژیک تهران محافظت می‌کنند ... گروه‌های وابسته به حزب توده خیلی عظیم تر هستند و طول صف‌های آنان به چند صد متر بالغ می‌شود. شعارها و پلاکاردهای جبهه ملی حاکی از اعلام حمایت از دکتر مصدق و درخواست انحلال مجلس است، در حالیکه شعارهای حزب توده - اساساً - علیه مجلس است و درخواست تشکیل مجلس مؤسسان برای تغییر رژیم فعلی است. نحوه اخذ رأی، مخفی نیست زیرا نه فقط یک محل جداگانه برای کسانی که می‌خواهند رأی منفی بدهند در نظر گرفته شده بلکه هر یک از شرکت‌کنندگان در این referendum باید ورقه‌ای را پر کنند که اسم و آدرس خود را روی آن بنویسند. محلی که برای اخذ رأی طرفداران مجلس در نظر گرفته شده، مقابل مجلس است و روی یک پلاکارده بزرگ این جمله به چشم می‌خورد: کسانی که اینجا رأی می‌دهند، طرفدار انحلال مجلس هستند. تا ساعت ۹ به وقت محلی، فقط سه نفر برای اعلام رأی «نه» در این صندوق حضور یافتند و از این سه نفر، تعداد زیادی عکس گرفته شد و از آنها فیلم برداری شد و مورد اهانت و آزار قرار گرفتند. دیشب حوادثی در منزل آیت‌الله کاشانی رخ داد. وی به تمام «مسلمانان حقیقی» توصیه کرده تا این referendum را تحریم کنند. طرفداران مصدق بطری‌های بنزین آتش‌زا بطرف منزل آیت‌الله کاشانی پرتاب می‌کردند و نزاعی در اطراف منزل ایشان در گرفت که یک نفر کشته و نزدیک به صد نفر مجروح شدند و امروز صبح گروه‌های مسلح، منزل آیت‌الله کاشانی را محاصره کرده و ورود به منزل ایشان - حتی برای نزدیکان و بستگان وی - را ممنوع کرده بودند، آیت‌الله کاشانی مجدداً referendum برای انحلال مجلس را تحریم کرد و اعلام نمود که هر رأی که مصدق در این referendum زیر حمایت سرنیزه‌ها و تانک‌ها بگیرد، موجب بطلان هر قرارداد بین‌المللی است که در آینده منعقد نماید.»

گزارشگر لوموند در گزارش بعدی خود خبر داد: «... طرفداران دکتر مصدق در تهران برنده شدند. بر طبق خبر رادیو تهران، بیش از صد هزار نفر به طرفداری از دکتر مصدق رأی به انحلال مجلس و فقط ۶۷ نفر رأی مخالف دادند و این نتایج مربوط به تهران است که حدود یک میلیون نفر جمعیت دارد».^[71]

در این همه‌پرسی در حدود دو میلیون ایرانی (از جمعیت حدود ۱۸ میلیونی ایران^[72]) شرکت کرده و ۹۹/۹٪ از شرکت‌کنندگان به «انحلال مجلس و ابقای دولت» رأی مثبت دادند. و شمار آرای مخالفان مطابق با آمار اعلامی در تهران ۱۱۵ نفر و در کل شهرستانها فقط ۷۱۰ نفر بود. در ۲۱ مرداد ۱۳۳۲ مصدق، رسماً نتیجه یعنی «بقای دولت و انحلال مجلس ۱۷» را اعلام کرده و از شاه خواست فرمان برگزاری انتخابات جدید را امضا کند. ولی او توجهی به رأی ملت در این خصوص ننمود.

پیش از این باران مصدق همچون غلامحسین صدیقی و خلیل ملکی به او هشدار داده بودند که در نبود مجلس، شاه شما را برکنار می‌کند. ولی مصدق چنین پاسخ داده بود که شاه جراتش را ندارد. اگر هم چنین کند، ما تمکین نمی‌کنیم.^[73]

مصدق بر این عقیده بود که مطابق با عرف و قانون اساسی و سابقه آن پادشاه اجازه عزل را ندارد و تنها می‌تواند در زمان رأی تمایل مجلس نسبت به صدور فرمان اقدام نماید که ان هم امری تشریفاتی است. دکتر مصدق فرمان شاه برای نخست وزیر را زمانی دارای رسمیت می‌دانست که مجلس شورای ملی رأی تمایل به یک فرد برای نخست وزیر بدهد و فرمان شاه را متمم می‌دانست و نه موجد.^[74] قبل از این هم در مورد نخست وزیر صدرالاشرف به دلیل اینکه حکم را شاه بصورت مستقیم و قبل از رأی مجلس صادر کرده بود موضوع منتفی اعلام شد.^[75]

او در کتاب خاطرات و تالمات در مورد حرکت احمد شاه در مورد عزل مصمصام السلطنه چنین می‌گوید:
 وقتی مرحوم سلطان احمد شاه، مصمصام السلطنه را عزل نمود و بجای او وثوق الدوله را نصب کرد راجه به این امر انقدر در مجامع سیاسی طهران صحبت شده بود که هر کسی می‌دانست در مملکت مشروطه مسوولیت وزراء در مقابل مجلسین جزو الفبای مشروطیت است و شاه حق نداشت مصمصام را عزل کند و ان مرحوم هم بااستناد همان مذاکرات و اظهار عقیده مظلوعین بقانون اساسی بود که تا مجلس چهارم تقنینیه خود را نخست وزیر قانونی می‌دانست

[76]



دکتر محمد مصدق در بیرون ساختمان مجلس

پخش اخبار نادرست علیه وجهه مذهبی مصدق، ترس از گسترش کوششهای حزب توده و هراس نابودی دودمان تنها فرمانروای شیعی جهان، روحانیون را از دولت محمد مصدق دور کرد. اختلافها با چند انتصاب دولت مصدق که مورد انتقاد مذهبی‌ها بود، بالا گرفت و سرانجام منتهی به فروپاشی مجلس هفدهم به وسیله همه پرسی عمومی شد که کاشانی را به سمت مخالفت و دشمنی با دولت مصدق گرایش داد. در ماه‌های آخر عمر دولت محمد مصدق، کاشانی اما پیدا و پنهان و با پشتیبانی از دسته جات مذهبی، از جمله دار و دسته شعبان جعفری و طیب، اعلام پیایی "در خطر بودن اسلام" و تحریک به مقاومت گروه‌هایی که علقه مذهبی داشتند، آشکارا به تضعیف دولت محمد مصدق اهتمام ورزید. در نتیجه کودتاچیان که از این اختلاف بیش‌ترین استفاده را برده بودند، توانستند عملیات خود را با موفقیت انجام دهند.

کودتای ۲۵ مرداد

نوشتار اصلی: کودتای ۲۵ مرداد



گروهی از طرفداران مصدق

در ۲۳ مردادماه ۱۳۳۲ بنا بر نقشه سیا موسوم به تی پی آزاکس برای براندازی دولت مصدق، شاه طی دو حکم جداگانه، فرمان عزل مصدق و نخست وزیری تیمسار زاهدی را امضا می‌کند. رئیس گارد شاهنشاهی، سرهنگ نصیری موظف می‌شود تا با محاصره خانه نخست وزیر فرمان را به وی ابلاغ و او را دستگیر کند. همچنین نیروهایی از گارد اقدام به بازداشت چند تن از وزرای دکتر مصدق (دکتر فاطمی معاون نخست وزیر و وزیر امور خارجه- دکتر حق شناس وزیر راه - مهندس زیرک زاده نماینده مجلس و از رهبران حزب ایران) می‌کنند. در همین زمان گروه‌هایی از نظامیان اقدام به اشغال مرکز تلفن بازار و تلاش به قطع ان می‌نمایند. مصدق از طریق شبکه افسران حزب توده و کیانوری از این توطئه باخبر می‌شود. گروه دستگیر کنندگان رییس ستاد ارتش نیز که با هجوم به منزل تیمسار ریاحی و تبادل اتش و با نگرهبان آنجا موفق به دستگیری

دکتر فاطمی و مهندس حق شناس و مهندس زیرک زاده می‌شوند این خبر توسط دو زن که از روی پشت بام فاطمی را در درون جیب ارتشی و تحت بازداشت دیده بودند به اطلاع نخست وزیر می‌رسد.^[77] به دلیل عدم حضور تیمسار ریاحی در ستاد مشترک نمی‌توانند او را دستگیر کنند. از سوی دیگر سرهنگ کیانی جانشین سرتیپ ریاحی که برای سرکشی به باغشاه آمده بود توسط افسران گارد دستگیری می‌گردد. دستگیر شدگان را به کاخ سعد آباد برده و در آنجا زندانی می‌کنند.^[78] سرهنگ نصیری نیز که در نیمه شب برای ابلاغ فرمان شاه و دستگیری دکتر مصدق به درب منزل مصدق آمده بود توسط نیروهای نگرهبان نخست‌وزیری به سرپرستی سرهنگ ممتاز و سروان فشارکی دستگیر و نیروهایش خلع سلاح و بازداشت می‌شوند.

در فردای این روز مصدق در بیانیه‌ای از کشف و خنثی سازی یک کودتا علیه دولت خبر می‌دهد. ولی هیچ اشاره‌ای به ماجرای فرمان شاه نمی‌کند. در این روز خبر خروج شاه از ایران و ورودش به بغداد منتشر می‌شود. حسین فاطمی به سفارتخانه‌های ایران از جمله سفیر ایران در بغداد دستور می‌دهد که با شاه مقابله کنند. از این روز نیروهای حزب توده با حضور در سطح شهر تشنج‌هایی ایجاد می‌کنند. در روز ۲۶ مرداد هر دو گروه مهم یعنی حزب توده و جبهه ملی میتینگ‌هایی پرشور بر ضد شاه برگزار کردند. در میتینگ جبهه ملی در بهارستان، به رغم عدم حضور مصدق، یاران او همچون فاطمی و صالح به بی سابقه ترین شکل ممکن به شاه تاختند. همچنین فاطمی در سرمقاله باختر امروز، شاه را به خیانت متهم کرد. در این روز برای جلوگیری از اغتشاش اعضای حزب توده، مامورین دولتی و طرفداران جبهه ملی، مجسمه‌های شاه و رضاشاه را از میدان‌های شهر پایین کشیدند.

با توجه به اغتشاشات پیش آمده در روز ۲۶ و ۲۷ مرداد به رهبری توده‌ای‌ها مصدق به تیمسار مدبر ریاست شهربانی دستور می‌دهد که با هرگونه تظاهراتی له یا علیه دولت یا شاه را مقابله نماید. در این روز هندرسون سفیر آمریکا به تهران بازگشت و به مصدق اولتیماتوم داد که اگر با حزب توده ائتلاف کند، آمریکا دولت وی را به رسمیت نمی‌شناسد. ولی مصدق به او اطمینان خاطر داد که کنترل اوضاع در دستش بوده و هرگز به توده ایها اجازه تشنج آفرینی نخواهد داد. همچنین در پاسخ به پرسش سفیر آمریکا درباره رابطه او با شاه، مصدق گفت:

در عصر ۲۷ مرداد، دستور اکید دادم هر کس حرف از جمهوری بزند او را تعقیب کنند و نظر این بود که از پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی درخواست شود هرچه زودتر به ایران مراجعت فرمایند چون که تغییر رژیم، موجب ترقی ملت نمی‌شود

[79]

شاه که از انجام موفقیت آمیز کودتا مطمئن بود. پس از خبردار شدن از شکست کودتا از رامسر به بغداد می‌رود.

کودتای ۲۸ مرداد

نوشتار اصلی: کودتای ۲۸ مرداد



شعبان جعفری (شعبان بی‌مخ)

در روز کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ حرکت دیگری بر ضد دولت انجام شد که این بار باعث سرنگونی دولت مصدق گشت. بنابر کتاب «ضد کودتا» نوشته مامور سیا کیم روزولت، او در این روز با خریدن فتوای برخی از روحانیون و همچنین دادن پول به ارتشیان، ولگردان و اوباش تهران آنها را به خیابان‌ها کشانید. در این عملیات ماشین‌های مستشاران آمریکایی با انتقال نفرت گارد شاهنشاهی و ارتشیان تحت حمایت خود به منزل دکتر مصدق و پرداخت دلار به افراد فعال در کودتا باعث پیشروی این کودتا گردیدند. امری که در کودتای ۲۵ مرداد نا موفق بود.

حدود ۸ صبح ۱۹ اوت جمعیتی حدوداً سه‌هزار نفره از مردانی مسلح به چوب و چماق در جنوبی ترین نقطه شهر تظاهراتی علیه مصدق و به طرفداری از شاه شروع کردند. به خیابان‌ها می‌رفتند و فریاد می‌کشیدند «زنده باد شاه» و «مرگ بر مصدق خائن». اگر چه احتمالاً اغلبشان سرشار از احساسات سلطنت طلبانه بودند اما به روشنی برای این کار پول گرفته بودند؛ بین آنها انبوهی آدم بیکار و بسیاری اوباش و الوات سرشناس بودند. هم‌زمان رئیس پلیس دستور داد کسی مانع تظاهرات نشود. بخش از جمعیت به طرف بازار رفتند و تهدید به غارت مغازه‌ها کردند. تاثیر کارشان آنی بود و بازار تعطیل شد. هر چه زمان گذشت جمعیت بیشتر شد و بخش اعظمی از ثروتمندان شهر که از دولت مصدق و به خصوص سیاست اخیر حمایتش از حزب توده منزجر بودند، به تظاهرات پیوستند. بعد تعداد انبوهی کامیون و اتوبوس، که از صبح زود کرایه شده بودند، پیدایشان شد و امکان نقل و انتقال مجانی تظاهرکنندگان را مهیا کردند. این وسایل نقلیه در شهر می‌چرخیدند و سرنشینان شان با فریاد شعار می‌دادند، سعی می‌کردند خشم مردم را افزایش دهند و

احساساتشان را به نفع شاه برانگیزند. خیلی زود روشن شد کل نیروی پلیس همراه و همدل تظاهرات‌اند و در بعضی موارد حرکت تظاهرکنندگان را هم هدایت می‌کنند. دکتر مصدق بلافاصله رئیس پلیس را عزل کرد و دستور دستگیری‌اش را داد. به ارتش هم دستور داد تانک و خودروهای زره‌پوش برای متفرق کردن جمعیت بفرستد. دستورهای صادر شده ستاد فرماندهی کل طبیعتاً بلافاصله اطاعت نشد و چند ساعت بعدتر که اجرا شد دیگر جمعیت خیلی آسان سربازان رسیده به محل را متقاعد کردند که در دفاع از شاه به آن‌ها بپیوندند. بین ساعت ۹ تا ۱۲ تظاهرکنندگان ستادهای مرکزی سه حزب سیاسی طرفدار حکومت و دفاتر نیم روزنامه حامی دکتر مصدق را زیر و رو کردند و به آتش کشیدند. جمعیت بعد به دفاتر روزنامه‌های حزب توده حمله کردند؛ ابتدا در برابرشان مقاومت شد، اما خیلی زود چیره شدند.^[80] سپس در حمله به زندان، شعبان جعفری (شعبان بی‌مخ) که از ۹ اسفند ماه ۱۳۳۱ به جرم تلاش برای قتل نخست وزیر در زندان بود، توسط نیروهای شورشی آزاد شد.^[81] با اشغال مرکز رادیو، پس از چند ساعت سکوت رادیویی بی سابقه در تاریخ رادیویی ملی ایران، نخست مهدی میراشرفی، نماینده مجلس و مصطفی کاشانی فرزند آیت الله کاشانی و سپس دیگر نمایندگان ضد مصدق و طرفدار شاه در مجلس همچون احمد فرامرز به سود زاهدی سخنرانی کرده و آنگاه سرلشکر زاهدی فرمان انتصاب خود به نخست وزیری خواند.^[82]

سپس نوبت به خانه دکتر مصدق که در واقع مقر نخست وزیری بود رسید. نخست جمعیتی انبوه به منزلش حمله کردند اما با آتش مسلسل عقب رانده شدند؛ کلی آدم کشته و مجروح شدند. دومین حمله که با همراهی و پشتیبانی سربازان طرفدار زاهدی انجام شد، باز ناکام ماند. این بار تانک‌های سنگین شرمین به محل رسیدند و خانه را به توپ بستند، حدود ۶ بعدازظهر دیگر دفاع مسئولان حفاظت خانه در هم شکست و خانه ویران شد. بعد جمعیت داخل ریختند، هر آنچه بود را به تاراج بردند و ساختمان را به آتش کشیدند. با خانه کناری هم، که منزل پسر دکتر مصدق بود، همین کار را کردند. عصر همه زندانیان آزاد شدند و سرلشکر زاهدی قدرت را در دست گرفت.^[83] در این روز شاه در رم ایتالیا بود و به گفته همسرش ثریا، در فکر خریدن خانه‌ای در رم برای اقامت بود که سقوط دولت مصدق و قدرت یابی زاهدی و تلگراف‌های حمایتی آیت‌الله کاشانی و آیت‌الله بهبهانی را دریافت کرد.^[84]

در روز ۲۹ مرداد دکتر مصدق و بیشتر یارانش خود را به شهربانی تسلیم کردند.

پس از موفقیت کودتای ۲۸ مرداد، سید ابوالقاسم کاشانی به شاه که به کشور و قدرت بازگشته بود به همراه مرجعیت زمان، آیت‌الله بروجردی تبریک گفت.^[85] پس از بازگشت شاه، آیت‌الله کاشانی در مصاحبه‌ای چنین می‌گوید:

«مصدق شاه را مجبور کرد که ایران را ترک نماید اما شاه با عزت و محبوبیت چند روز بعد بازگشت. ملت شاه را دوست دارد و رژیم جمهوری مناسب ایران نیست.»^[86] همچنین نواب صفوی رهبر گروه فداییان اسلام نیز که در زمان کودتا در خارج از کشور بود طی یک مصاحبه در بغداد سقوط مصدق را به شاه تبریک گفت.^[87] رهبر فداییان در بازگشت از سفر خود در مورد کودتای ۲۸ مرداد بیانیه داده و چنین می‌گوید:

هوالمیز - فرمان خدا بالاتر از هر فرمانی بوده اطاعتش واجب تر از اطاعت هر کسی است و هر کس عملاً با احکام خدا مخالفت کند اطاعت او حرام و مخالفتش واجب است. من به همین دلیل با دولت مصدق به شدت مخالف بوده و او در تمام حکومتش از ترس من و برادرانم در گوشه خانه متحصن بود و هر واسطه‌ای برای سازش با من می‌فرستاد چون حاضر نبود که تسلیم حکم خدا شود مایوس می‌شد، بزرگترین جنایت مصدق تقویت عمال شوروی در ایران بود و تنها روح ایمان و علاقه خلل ناپذیر مردم این سرزمین و افسران و سربازان پاکزاد و مسلمان ما به ناموس و دیانت بود که به یاری خدا او و عمال رذل بیگانه را شکست داده و خواهد داد و به خدای محمد صلی الله علیه و آله قسم که اگر دو روز دیگر حکومت مصدق باقی‌مانده و رجاله بازیهای بیگانه پرستان ادامه پیدا می‌کرد عقده‌های درونی مردم مسلمان ایران به هزاران برابر شدیدتر از آن طور که شد منفجر گردیده و رگهای بدن فرد فرد عمال کوچک و بزرگ شوروی رذل را به دست و دندان خشمناکشان بیرون کشیده بنیاد هستی یک یک آنها را بدون استثناء در شعله‌های سوزان غیرت خویش می‌سوزاندند تا یاس کرملین نشینان از تسلط بر کمترین خشت مملکت ما هزاران برابر یاس کنونی گردد و گویا چون اکثر این فریب خوردگان، بدبخت و نادان و قابل هدایت بودند. ...

[88]

اختلاف نظر درباره کودتای ۲۸ مرداد

تا زمان پیروزی انقلاب ایران، رژیم این روز را به عنوان یک جشن ملی با نام «رستاخیز ۲۸ مرداد»^[89] گرامی می‌داشت. پس از انقلاب ایران آنرا با نام «کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد» در تقویم ثبت کردند. بسیاری بحثها درباره قانونی بودن یا نبودن اقدام شاه در عزل نخست وزیر و اقدام مصدق در برگزاری رفراندوم و علل معطل ماندن مجلس و نقش آمریکا و انگلیس و عوامل آنها در سرنگونی مصدق بوده‌است. برخی از منتقدان ایرانی نقش آمریکا در کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ را مورد تردید قرار داده و برخی دیگر بر نقش آمریکا در کودتا تاکید دارند. به موجب اسنادی طبقه بندی شده‌ای که در ماه آگوست سال ۲۰۱۳ توسط سازمان اطلاعات مرکزی ایالات متحده، سیا، منتشر گردید این سازمان به ایفای نقش در کودتای ۲۸ مرداد بر علیه دولت دکتر مصدق اعتراف کرد. سیا در مقدمه یکی از این اسناد تازه منتشر شده که گزارشی متعلق به سال ۱۹۵۴ است می‌نویسد: "در پایان ۱۹۵۲ روشن بود که دولت مصدق نمی‌تواند با کشورهای غربی که منافع در ایران دارند به توافقی نفتی برسد." "هدف عملیات آژاکس سرنگونی دولت محمد مصدق، بازسازی منزلت و قدرت شاه و جایگزینی دولت مصدق با دولتی بود که ایران را با سیاست‌هایی سازنده اداره کند." بنا به این سند همچنین هدف کودتا این بوده که دولتی بر سر کار بیاید که دولت‌های غربی بتوانند درباره بازار نفت با آن به توافق برسند. در مارس ۱۹۵۳ (اسفند ۳۱-فروردین ۳۲) وزارت خارجه آمریکا از سازمان سیا می‌خواهد امکان ساقط کردن دولت مصدق از طریق عملیات مخفیانه را بررسی کند. نتیجه ارزیابی سیا این است که امکان چنین عملیاتی وجود دارد. پس از آن مقرر شد سیا به همراه سرویس اطلاعات سری بریتانیا (SIS) که به MI6 شناخته می‌شود) عملیات سرنگونی مصدق را به انجام برسانند. کرمیت روزولت، رئیس بخش خاور نزدیک و آفریقای سازمان سیا نخست با رئیس دفتر

ایران سیا، راجر گولران، و دو افسر اطلاعاتی دیگر در بیروت دیدار می‌کند و سپس در ۱۴ ژوئن ۱۹۵۳ (۲۴ خرداد ۳۲) طرح کودتا به دفتر سرویس اطلاعات سری بریتانیا ارائه می‌شود. بوسایت بی بی سی فارسی^[90] کودتای ۲۸ مرداد^[91]



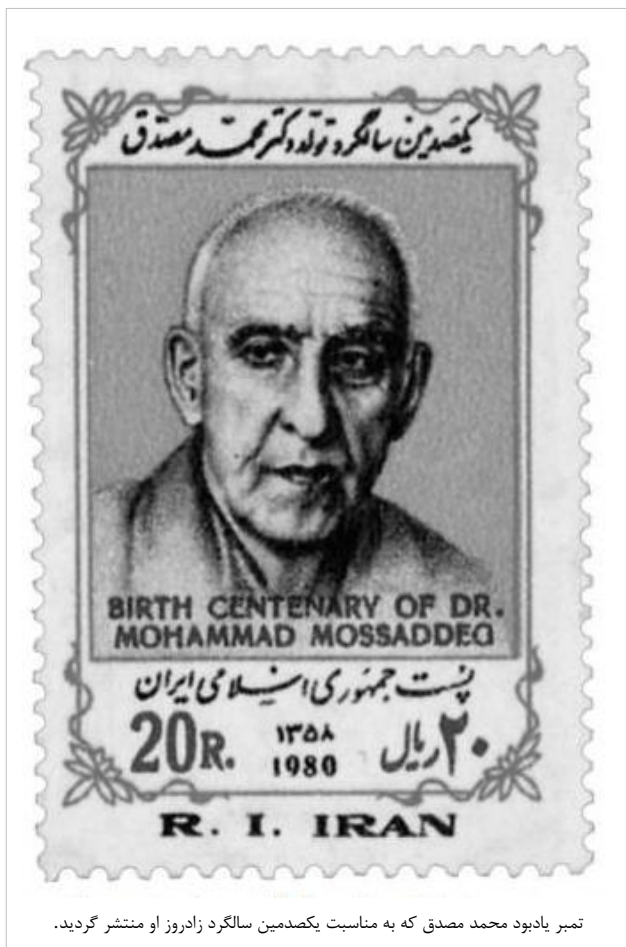
تمبری که در سال ۱۳۵۲ و به مناسبت بیستمین سالگرد رستاخیز ۲۸ مرداد (کودتای ۲۸ مرداد) توسط پست رژیم شاهنشاهی ایران منتشر شد.

منبع شناسی روند عملیات نظامی کودتای ۲۸ مرداد

(نویسندگان ایرانی)

- کالبد شکافی توطئه - دکتر ابراهیم یزدی - انتشارات قلم ۱۳۸۱
 - راز پیروزی کودتا - محمدجعفر محمدی - انتشارات اختران ۱۳۸۵
 - خاطرات من - حسینقلی سر رشته - ناشر مولف - ۱۳۶۷
 - نا گفته‌هایی پیرامون فروریزی حکومت مصدق - دکتر ماشاء الله ورقا - انتشارات بازتاب نگار - ۱۳۸۴
- سرهنک ماشاء الله ورقا عضو ارشد شهربانی و سرهنک سر رشته عضو اطلاعات ارتش بودند.

مخالفتان و منتقدان عملکرد ۲۸ ماهه دولت دکتر مصدق



تمبر یادبود محمد مصدق که به مناسبت یکصدمین سالگرد زادروز او منتشر گردید.

۱. برخی از هواداران دکتر محمد مصدق یا اعضای جبهه ملی که در زمان حکومت او از جبهه ملی یا از دولت او کنار گذاشته شده یا کنار رفته بودند، پس از جدایی به انتقاد از کارنامه او پرداخته و حتی برای سرنگونی اش تلاش کردند. برخی از این افراد عبارتند از: فضل الله زاهدی (نخست وزیر کودتا)، علی امینی (عاقده قرارداد کنسرسیوم)، حسین مکی، (که در آغاز سرباز فداکار وطن نامیده شد ولی در پایان به دلیل مخالفت با دکتر مصدق از سوی هواداران جبهه ملی سرباز خطاکار وطن خطاب می‌شد) مظفر بقایی (به دلیل اتهام مشارکت در قتل سرتیپ افشار طوس و سپس اتهام شرکت در کودتای ۲۵ مرداد به دستور فرماندار نظامی تهران بازداشت شد و تا روز ۲۸ مرداد در زندان بود). آیت الله کاشانی، در ۳۰ تیر ۱۳۳۱ در اعتراض به استعفاى دکتر مصدق، تهدید به حکم جهاد کرد ولی در ماههای پایانی ضمن انتقاد شدید از کارنامه دولت، از زاهدی پشتیبانی می‌کرد. او در اعلامیه‌ای به عنوان تحریم رفراندوم دولت، در هشتم مرداد ۱۳۳۲ نوشت:

اکنون ۲۸ ماه است که ایشان زمامدار است و در تمام این مدت یک قدم مفید به حال شما که بتواند اسم آنرا ببرد بر نداشتند. هر روز وعده‌های بزرگ می‌دهد و فردا عذر می‌آورد. ساعت به ساعت راه را برای تحکیم دیکتاتوری و حکومت فردی و خودسری هموار ساخته است. مصدق خوب می‌داند اگر با آزادی به رای ملت رجوع کند ۹۷ درصد مردم علیه او رای می‌دهند. شما هموطنان عزیز می‌بینید که تا امروز چه کسی به نفع اجانب قدم برداشته و آنچه تا امروز کرده مستقیماً به مصلحت اجنبی و زیان مملکت بوده است. ۲۸ ماه است که آقای دکتر مصدق با [هایهو] در جنجال و عوامفریبی مردم را مشغول کرده است.^[92]

ابوالحسن حائری زاده در سال ۱۳۳۱ در مجلس، ضمن مخالفت با لایحه اختیارات ویژه دولت، آن را خطر بازگشت دیکتاتوری ۲۰ ساله دانست^[93] و سپس در سال بعد با نوشتن نامه به رئیس سازمان ملل متحد، مصدق را دیکتاتور خواند.^[94] این گروه علی‌رغم هواداری از مصدق در ماههای نخست حکومت او، در یک سال پایانی دولت مصدق یا علناً یا در خفا برای سرنگونی او به هر شکل تلاش کردند.

۲. برخی از هواداران دکتر مصدق که تا روز پایانی همراه و پشتیبان او بودند و پس از آن نیز به هواداری از مصدق ادامه دادند ولی بر برخی از رفتارهای دکتر مصدق در زمان ریاست دولت، نقدهایی دلسوزانه داشتند. از این جمله‌اند خلیل ملکی («آقای دکتر مصدق! این راهی که شما می‌روید به جهنم است ولی ما تا جهنم به دنبال شما خواهیم آمد»^[95]) و غلامحسین صدیقی که به ویژه با رفراندوم مصدق برای تعطیلی مجلس مخالفت کردند. همچنین کریم سنجابی که به گفته خود، با خویشاوندگرایی مصدق در زمان حکومتش^[96] یا رفتار او در هنگام تشکیل جبهه ملی دوم که منجر به انحلال شد^[97] مخالفت کرد.

۳. برخی از تاریخ پژوهان و روشنفکران جدیدتر که اگرچه کلیت دکتر مصدق را تصدیق و تایید کرده‌اند ولی برخی از کارهای او (به ویژه مخالفت او با پیشنهادهاى نفتی ارائه شده به ایران همچون بانک جهانی یا پیشنهاد چرچیل - ترومن اشتباه دانسته و عقیده دارند که او باید در مورد ملی شدن نفت در برابر پیشنهادات فوق گذشت می‌نمود و پیشنهادات فوق را می‌پذیرفت و از اصل ملی نمودن نفت صرفه نظر می‌نمود اینان خطاهای مصدق در این رابطه را دلیل سرنگونی او میدانند. از این جمله‌اند یرواند آبراهامیان^[98] دکتر همایون کاتوزیان^[99] فواد روحانی^[100] محمدعلی موحد^[101] و صادق زیباکلام.^[102]

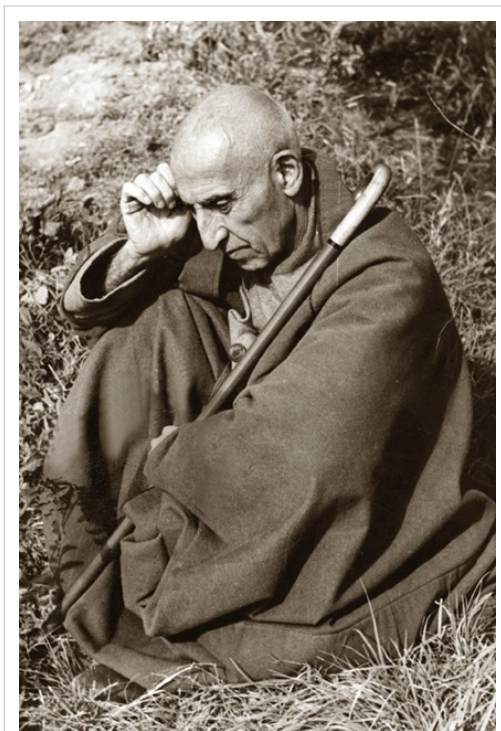
هرچند پرواند آبراهامیان بعدتر، ضمن رد منصفانه بودن پیشنهادهای نفتی ارائه شده از سوی غرب، از پافشاری مصدق بر ملی کردن صنعت نفت دفاع کرد.^[103]

۴. گروهی دیگر به کل سیاستهای دکتر مصدق را مورد نکوهش قرار داده‌اند. برخی از اینها چون موسی غنی نژاد،^[104] فریدون مجلسی،^[105] مرتضی مردیها،^[106] عباس میلانی^[107] و محمد قوچانی،^[108] ضمن نقد دوران پهلوی پیش و پس از مصدق، دوران او را نیز از انتقادات مصون نداشته‌اند. حال آنکه برخی دیگر چون داریوش همایون،^[109] هوشنگ نهاوندی،^[110] پیروز مجتهدزاده،^[111] و جلال متینی،^[112] دوران حکومت ۲۸ ماهه دکتر مصدق را بدتر از دوران «پس از مصدق» و یک سرراشویی برای سقوط ایران به هرج و مرج یا کمونیسم دانسته‌اند.

موسی غنی نژاد معتقد است که «هیچ ابتکاری در دوران دولت دکتر مصدق و اطرافیان او دیده نشد. اصطلاح اقتصاد بدون نفت را حتی در یک مورد قبل از آن نمی‌شود پیدا کرد. وقتی تحریم شروع شد دور و بری‌های دکتر مصدق گفتند نفت بلای سیاه است و تحریم موهبت است. اما نتیجه آن بود که به مردم فشار آمد و مردم ناراضی شدند و بحران‌های سیاسی اقتصادی و اجتماعی شکل گرفت. درآمدهای ارزی ما کاهش پیدا کرد، اقتصاد دچار بحران شدید شد و به نارضایتی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مردم انجامید و مردم این نارضایتی را در روز ۲۸ مرداد نشان دادند. از روز ۲۵ مرداد که طبق دست خط شاه مصدق خلع شده بود حکومت مصدق غیرقانونی بود و اگر کودتایی صورت گرفت توسط مصدق بود. چرا که قانون اساسی، در غیاب مجلس، به شاه اختیار می‌دهد در عزل و نصب نخست وزیر و مصدق هم این را می‌دانست و به همین خاطر هم بود که این دست خط را اعلام و ابلاغ نکرد. اطرافیان او هم می‌دانستند. هنگام برگزاری رفراندوم هم این انتقاد را به او کرده بودند که انحلال مجلس همه اختیار را به شاه خواهد داد.»^[113]

محاكمه و زندان و خانه نشینی

محمد مصدق را پس از کودتای ۲۸ مرداد در دادگاه نظامی محاکمه و با توجه به تبرئه او از اتهامات اصلی چون «تلاش برای برهم زدن اساس سلطنت» و «کودتا علیه قانون اساسی» به سه سال حبس مجرد (انفرادی) محکوم شد. استدلال او در نفی صلاحیت دادگاه این بود که دیوان عالی حق محاکمه نخست وزیر را دارد و دادگاه نظامی، صالح نیست و او همچنان نخست وزیر قانونی کشور است. استدلال دادستان نیز این بود که دکتر مصدق در پی دریافت فرمان عزل پادشاه از روز ۲۵ مرداد تا روز ۲۸ مرداد نخست وزیر نبوده‌است و این دادگاه به اتهامات او پس از برکناری از نخست وزیری یعنی ترمذ از فرمان پادشاه رسیدگی می‌کند. پاسخ مصدق نیز آن بود که چون فرمان پادشاه را در نیمه شب و با یک دسته مسلح آورده بودند گمان بر جعلی بودن آن داده و از این نظر او متمرد نیست. او هم در دفاعیه در دادگاه و هم در خاطراتش می‌نویسد که اگرچه بنا بر روح قانون اساسی مشروطه، پادشاه حق عزل و نصب وزیران را ندارد ولی اگر در روز و ساعات اداری فرمان را می‌آوردند، آنرا می‌پذیرفت. ضمن اینکه با توجه به نوع نوشتار دست خط، احتمال داد که فرمان بصورت سفید، مهر و امضا شده و جعلی است. به همین دلیل آورنده نامه را دستگیر کرد تا صبح روز بعد از شاه، اصل ماجرا را جویا شود که با خروج شاه از کشور، فرصت این کار را نیافت.^{[114][115]} دادگاه که به صورت علنی و با حضور رسانه‌های ایرانی و بیگانه برگزار شده و مشروح آن در روزنامه‌ها به چاپ رسید. دکتر مصدق در مورد دادگاهش و علل محاکمه خود چنین می‌گوید:



مصدق در احمدآباد در سال ۱۳۴۴

«در طول تاریخ مشروطیت ایران این اولین بار است که یک نخست وزیر قانونی مملکت را به حبس و بند می‌کشند و روی کرسی اتهام می‌نشانند... به من گناهان زیادی نسبت داده‌اند ولی من خودم می‌دانم که یک گناه بیشتر ندارم و آن این است که تسلیم تمایلات خارجیان نشده و دست آنان را از منابع ثروت ملی کوتاه کرده‌ام... مردم این مملکت می‌دانند که وضع من در بسیاری جهات با وضع مارشال پتن فرانسوی بی شباهت نیست و من هم سالخورده و به وطن خود خدمتی کرده‌ام. من هم مثل او در اواخر عمر به روی کرسی اتهام نشستام و شاید مثل او محکوم شوم ولی همه نمی‌دانند بین من و او یک تفاوت آشکار است. پتن به جرم همکاری با دشمن ملت فرانسه به دست ملت فرانسه محاکمه شد و من به گناه مبارزه با دشمن ملت ایران به دست عمال بیگانگان!».

دادگاه اگرچه او را از اتهامات مهمی چون اقدام علیه اساس سلطنت و کودتا علیه قانون اساسی که حکم اعدام داشت، تبرئه کرد ولی به جهت ترمذ از فرمان شاه او را به سه سال زندان محکوم کرد. دکتر مصدق پس از گذراندن سه سال زندان، به ملک خود در احمد آباد رفته و تا پایان زندگی زیر نظارت شدید دولت بود. مصدق نخستین کسی بود که سرنگونی خود را غیرقانونی و کودتا خواند ولی هرگز تا پایان عمر (۱۳ سال بعد) آنرا آمریکایی ندانست و تنها از انگلیسیها به بدی یاد می‌کرد.^[116]

او همچنین چه در دادگاه و چه در کتابش با اشاره به سوگند خود به قرآن، تاکید کرده‌است که هرگز تلاشی برای سرنگونی سلطنت و برپایی جمهوری نکرده و آرمانش ایجاد یک پادشاهی مشروطه بود که در آن شاه سلطنت کند و نه حکومت.^[117]

مصدق وصیت کرده بود او را کنار کشته‌شدگان ۳۰ تیر در ابن بابویه دفن کنند، ولی با مخالفت شاه چنین نشد و او در یکی از اتاقهای خانه‌اش در احمدآباد به خاک سپرده شد. پیکر ایشان توسط دکتر یدالله سحابی غسل و شستشو داده شد سپس نماز میت محمد مصدق توسط آیت‌الله سید رضا زنجانی اقامه گردید. بدین ترتیب در دفن وی در قبرستان ابن بابویه جلوگیری شد.

محمد مصدق در روزهای آخر عمر خود درباره حوادث سال ۳۲ می‌گوید:

کمونیسم را بهانه کرده‌اند که نفت ما را ۱۰۰ سال دیگر هم غارت کنند. دادگاه نظامی مرا به سه سال حبس مجرد محکوم کرد که در زندان لشکر ۲ زرهی آن را تحمل کردم. روز ۱۲ مرداد ۱۳۳۵ که مدت آن خاتمه یافت به جای این‌که آزاد شوم به احمدآباد تبعید شدم و عده‌ای سرباز و گروهیان مأمور حفاظت من شدند. اکنون که سال ۱۳۳۹ خورشیدی هنوز تمام نشده مواظب من هستند و من محبوسم و چون اجازه نمی‌دهند بدون اسکورت به خارج [قلعه] بروم در این قلعه مانده‌ام و با این وضعیت می‌سازم تا عمرم به سر آید و از این زندگی خلاصی یابم.

در سال ۱۳۴۲ همسر دکتر مصدق، خانم ضیاءالسلطنه، در سن ۸۴ سالگی درگذشت. حاصل ازدواج وی و دکتر مصدق دو پسر و سه دختر بود. در سال‌های حکومت محمدرضا پهلوی برگزاری مراسم بزرگداشت دکتر محمد مصدق از سوی حکومت وقت ممنوع اعلام شد اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی در تاریخ ۱۵ اسفند ۵۷ یکی از بزرگترین گردهمایی‌های سیاسی در سالروز درگذشت رهبر نهضت ملی نفت بر مزار وی در احمدآباد برگزار شد. در این مراسم که آیت‌الله طالقانی سخنران آن بود، به نوشته روزنامه اطلاعات یک میلیون نفر به احمدآباد رفتند. اطلاعات در شماره همان روز در توصیف این مراسم نوشت: «امروز ایران پس از دوازده سال خون دل خوردن و خاموشی بخاطر عجز از برپایی مراسم تجلیل از شادروان دکتر محمد مصدق رهبر ملی خود باشکوهی خیره کننده یاد آن بزرگ مرد تاریخ مبارزات ضد استعماری ملل شرق را گرمی داشت. مراسم تجلیل از این ابرمرد چندان باشکوه بود که بی‌شک پرتو پرچالش قرون متعددی بر صفحات تاریخ جدید ایران پرتو خیره کننده‌ای داشت.»^[118]

پس از انقلاب نیز از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۵ نیز هر گونه حضور رسمی بر سر مزار دکتر مصدق ممنوع بود و پس از آن فشار برای عدم برگزاری این مراسم کمتر گردید اما از سال ۱۳۸۹ به بعد مجدداً برگزاری هرگونه مراسمی در احمد اباد اعم از خصوصی و یا عمومی ممنوع شد.^[119]

خدمات دکتر مصدق

1. موازنه منفی (قانونی برای ندادن هیچ امتیازی به دولتهای استعماری روسیه و انگلیس) در زمان وکالت در مجلس چهاردهم
2. هلی شدن شیلات و کشتیرانی در زمان وکالت در مجلس چهاردهم
3. ملی شدن صنعت نفت ایران (اکتشاف، استخراج و بازرگانی) در زمان وکالت در مجلس شانزدهم
4. اجرای قانون خلع ید از انگلیسیها در صنایع نفت ایران در زمان نخست وزیری
5. هلی شدن مخابرات در زمان نخست وزیری
6. تاسیس بندر آزاد در بوشهر در زمان نخست وزیری
7. لایحه مجازات دادن پاسخ خلاف واقع (مجازات دروغگویی) در زمان نخست وزیری
8. قانون استقلال کانون وکلا
9. تاسیس سازمان نقشه برداری
10. قانون صدور چک
11. ایجاد سازمان تربیت بدنی و پیشاهنگی ایران

طرح‌ها و لوایح مهم دولت دکتر مصدق

1. لغو دادگاه‌های نظامی
2. قانون دادرسی و کیفر ارتش و متمم آن
3. لایحه قانون کار و تشکیل بیمه‌های اجتماعی
4. قانون بازنشستگی کشوری
5. لایحه تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی
6. قانون استقلال شهرداری‌ها
7. اصلاح قانون مطبوعات
8. لایحه سد سفیدرود
9. قانون تشکیل اتاق‌های بازرگانی
10. قانون تشویق صادرات و صدور پروانه بازرگانی
11. لایحه بانک توسعه صادرات
12. تشکیل شورای عالی فرهنگ
13. لایحه و متمم قانون وصول مطالبات غیر مالیاتی دولت

14. لایحه الغای عوارض در دهات
 15. قانونی بنگاه عمران کشور
 16. لایحه تشکیل پلیس گمرک

برخی از این طرحها در سالهای بعد عملیاتی شدند. از جمله تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی، ساخت سد سفیدرود و بانک توسعه صادرات. و برخی نیز بلادرنگ پس از سرنگونی دولت او، ملغی شدند. از جمله اصلاحات حقوقی و قضایی که در دوران مصدق انجام شده بود.

وصیت نامه دکتر مصدق

متن کامل وصیت‌نامه دکتر محمد مصدق بدین شرح است:

1. وصیت می‌کنم که فقط فرزندان و خویشان نزدیکم از جنازه من تشییع کنند و مرا در محلی که شهدای ۳۰ تیر مدفونند، دفن نمایند.
2. بدون سند رسمی یا نوشته به خط و امضای خود به کسی مدیون نیستم.
3. نظر به اینکه طبق اسناد رسمی ثبت شده در دفتر اسناد رسمی شماره ۳۹ تهران منافع دو سال از خانه‌ها و مستغلاتی که به فرزندان خود بخشیده‌ام پس از مرگ تعلق به اینجانب دارد به شرح ذیل:

الف- منافع خانه واقع در کوچه ازهری ملک خانم ضیاء اشرف بیات مصدق سند شماره ۴۲۱۵۶ (۲۹ اسفند ۱۳۲۹)

ب- منافع چهاردانگ از خانه‌هایی که در آن سکونت داشتم، ملک آقای مهندس احمد مصدق، سند شماره ۴۲۱۵۷ (۲۹ اسفند ۱۳۲۹)

ج- منافع خانه مسکونی همسر عزیزم، ملک آقای دکتر غلامحسین مصدق سند شماره ۴۲۱۵۸ (۲۹ اسفند ۱۳۲۹) حق‌الارض عمارت دو اشکوبه و دو گاراژ، ملک دکتر غلامحسین مصدق، سند شماره ۴۲۱۵۹ (۲۹ اسفند ۱۳۲۹) که در سال به یکصد و بیست هزار ریال (دوازده هزار و تومان قطع شده)

د- مستغلات واقع در خیابان ناصرخسرو، ملک بانو منصوره متین‌دفتری، سند شماره ۴۲۱۶۰ (۲۹ اسفند ۱۳۲۹) از بابت منافع سال اول مبلغی که در صورت جداگانه به خط اینجانب تنظیم شده به اشخاص مفصله در آن صورت بپردازند و هر چه باقی‌ماند، برای نماز و روزه و حج اینجانب به کار برند و از عواید سال دوم قطعه زمینی که برای باشگاه دانشجویان دانشگاه تهران مناسب باشد، با نظر نماینده آقایان مزبور خریداری شود و چنانچه آقایان دانشجویان قطعه زمینی در اختیار داشته باشند، مبلغ مزبور را به نماینده یا نمایندگان قانونی آقایان دانشجویان تحویل دهند که آن‌ها خود مبلغ مزبور را صرف تعمیر ساختمان جدید آن بنمایند. چنانچه وصیت‌نامه دیگری از نوشتجات غارت شده یا در خانه نزد دیگران است از درجه اعتبار ساقط است.

احمدآباد، ۲۰ آذر ماه هزار و سیصد و چهل و چهار هجری شمسی

دکتر محمد مصدق

آثار دکتر مصدق

کتاب‌ها

1. مسؤولیت دولت برای اعمال خلاف قانونی که از مستخدمین دولتی در موقع انجام وظایف‌شان صادر می‌شود و قاعده عدم تسلیم مقصرین سیاسی: رساله‌ای به زبان فرانسه در مدرسه علوم سیاسی پاریس.
2. وصیت در حقوق اسلامی (شیعه): رساله دکترای مصدق به زبان فرانسه (۱۹۱۴ م). ترجمه به فارسی توسط علی محمد طباطبایی قمی چاپ انتشارات زریاب
3. کاپیتولاسیون و ایران: پس از انتشار خبر الغای کاپیتولاسیون در اول اکتبر ۱۹۱۴ در ترکیه عثمانی مصدق این کتاب را برای آگاهی مردم از نتایج منفی وجود چنین قانونی و نیز برای تشویق دولت ایران به الغای کاپیتولاسیون نگاشت. به این ترتیب او اولین کسی بوده که در ایران به مصونیت سیاسی اتباع دول بیگانه اعتراض کرد و خواهان الغای این رژیم مخالف آزادی و استقلال مملکت شد.
4. شرکت سهامی در اروپا: این کتاب بعد از اظهارات اردشیر جی، نماینده زرتشتیان هند در ایران، مبنی بر این که تاکنون در ایران کتابی درباره شرکت‌های تجاری منتشر نشده و در این خصوص کمبودی وجود دارد، با مطالعه قوانین مختلف کشورهای اروپایی، در آبان ۱۲۹۳ در ۱۰۳ صفحه انتشار یافت.
5. دستور در محاکم حقوقی: این کتاب نتیجه مطالعات گسترده حقوقی مصدق بود که به درخواست مدیر مدرسه سیاسی تهران، دکتر ولی‌الله خان نصر تالیف گردید.
6. مختصری از حقوق پارلمانی در ایران و اروپا برای آقای محترم نمایندگان دوره پنجم تقنینیه: در ۷۲ صفحه در سال ۱۳۰۲
7. اصول قواعد و قوانین مالیه در ممالک خارجه و ایران قبل از مشروطیت و دوره مشروطه: ابتدا در سال ۱۳۰۴ بعدها در ۱۳۷۷ با پیش‌گفتاری از عزت‌الله‌سحابی و مقدمه‌ای از علی‌اکبر شبیری‌نژاد به وسیله نشر "فرزان" تجدید چاپ شد. در این کتاب مصدق به ارائه اطلاعات و تجربیات خود در امور مالی به عموم مردم پرداخت.

- کتاب‌های پنج‌گانه اخیر را مصدق در قلمرو عمومی قرار داد و بر صفحه عنوان آنها نوشت: **مجانی و حق طبع و ترجمه آزاد است**

مقالات

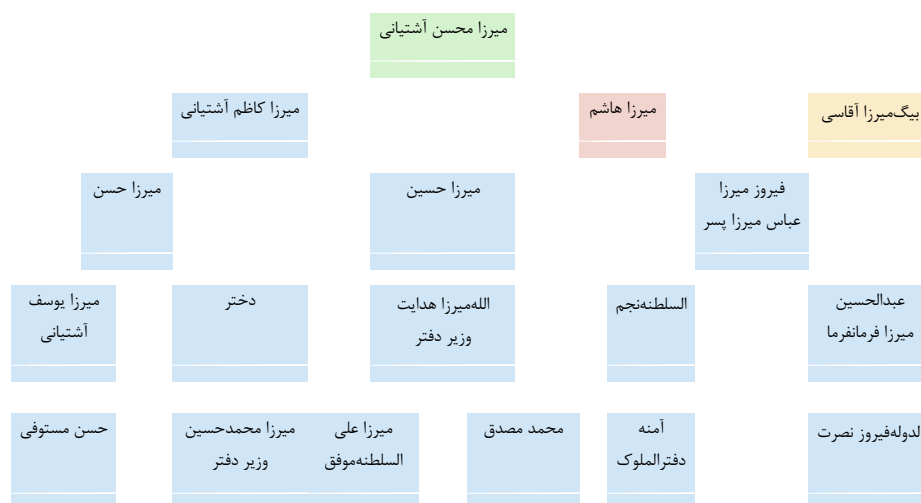
1. اسقاط دعاوی یا قاعده مرور زمان: در اولین شماره مجله علمی در سال ۱۲۹۳ به چاپ رسید.
2. تصویب بودجه در پارلمان‌های مختلف: مقاله مزبور در مجله آینده دوره اول، در سال ۱۳۰۴ بدون نام و با ذکر امضاء محفوظ به چاپ رسید.
3. انتخابات در اروپا و ایران
4. تبعیت در ایران
5. اصول مهمه حقوق مدنی و حقوق تجاری ایران: این مقاله درباره سیر قوانینی مانند حقوق مدنی، عقود، حقوق خانواده، حقوق توارث، املاک و تجارت در ایران از هنگام ورود اسلام تا آغاز مشروطیت و نیز دوره بعد از مشروطیت است. مقالات ردیف‌های ۳، ۴ و ۵ در مجله آینده، دوره دوم، سال ۱۳۰۵ به چاپ رسید.
6. طرح پیشنهادی برای اصلاح قانون انتخابات: در دورانی که مصدق در مجلس چهاردهم نماینده بود، در روزنامه اطلاعات ۲۳/۲/۱۳۲۳ چاپ شد.
7. مسئله انتخابات: در یک مقدمه و در شش فصل که به بیان و بررسی قوانین انتخاباتی در ایران پرداخته است، در دوره نمایندگی مصدق در مجلس چهاردهم و به درخواست مجله آینده، دوره سوم در مهرماه ۱۳۲۳ چاپ شده است.

خاطرات، نطق‌ها و نامه‌ها

1. خاطرات و تألمات مصدق: با یادداشت غلامحسین مصدق و توضیح ایرج افشار، تهران، انتشارات علمی، چاپ اول ۱۳۶۴، چاپ هشتم ۱۳۷۵. این کتاب توسط دکتر محمدعلی همایون کاتوزیان به زبان انگلیسی ترجمه شد.
2. دکتر مصدق و نطق‌های تاریخی او در دوره پنجم و ششم تقنینیه: گردآورنده حسین مکی، تهران، انتشارات جاویدان، چاپ سوم ۱۳۶۳. این کتاب قبلاً در سال‌های ۱۳۲۴ و ۱۳۵۸ نیز چاپ شده بود.
3. سیاست موازنه منفی در مجلس چهاردهم: شامل نطق‌های مصدق در مجلس چهاردهم، دو جلد در یک جلد، گردآورنده حسین کی‌استوان، مدیر روزنامه مظفر، تهران انتشارات اسلامی، ۱۳۲۷، ۱۳۲۹، ۱۳۵۶.
4. نطق‌ها و مکتوبات دکتر مصدق در ادوار ۵ و ۶ و ۱۴ و ۱۶ مجلس و در دوران نخست وزیری - دفتر ۱ تا ۱۰ "انتشارات مصدق ۱۳۴۸-۹
5. مدافعات مصدق و رولن در دیوان بین‌المللی لاهه، تهران، انتشارات زبرجد، بی تا
6. نامه‌های دکتر مصدق: دو جلد، گردآورنده: محمد ترکمان، تهران، نشر "هزاران"، ۱۳۷۴ و ۱۳۷۷.
7. دکتر محمد مصدق در محکمه نظامی، سرهنگ جلیل بزرگمهر، دو جلد، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۳، دوبار در سال‌های ۶۹ و ۷۸ در یک جلد توسط انتشارات "نیلوفر" نیز انتشار یافته است.
8. دکتر محمد مصدق در دادگاه تجدیدنظر نظامی: جلیل بزرگمهر، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۵
9. دکتر محمد مصدق و رسیدگی فرجامی در دیوان کشور: تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۵ یا ۱۳۶۷
10. تقریرات مصدق در زندان: زیر نظر ایرج افشار، تهران، سازمان کتاب، ۱۳۵۹؛ بعدها تحت عنوان "رنج‌های سیاسی دکتر مصدق" با توضیحات عبدالله برهان به وسیله‌ی نشر در سال ۷۰ چاپ گردید و چاپ سوم آن در سال ۱۳۷۷ منتشر شد.
- کتاب صوتی تقریرات مصدق در زندان [120]

تبارنامه

تبارنامه خاندان آشتیانی، شاخه میرزا کاظم آشتیانی



مریم فیروز	مظفر فیروز	میرزا محمد الممالک‌عین
عبدالعزیز فرمانفرمایان	احمد متین دفتری	
منوچهر فرمانفرمایان		
ستاره فرمانفرمایان		
محمدحسین فیروز		
اسکندر فیروز		

پانویس

- [1] Birthday of Dr. Mohammad Mossadegh, born June 16, 1882 (<http://www.mohammadmossadegh.com/biography/birthdate>)
- [2] آغاز کتاب «ایران در دوره دکتر مصدق، ریشه‌های انقلاب ایران»
- [3] The Persian Presence in the Islamic World (Levi Della Vida Symposia), p. 104 By Ehsan Yarshater
- [4] مهدی شمشیری: زندگی نامه مصدق - از تولد تا پایان تحصیلات و اخذ تابعیت سویس، چاپخانه پارس، هوستون تگزاس، ۲۰۰۲، ص ۱
- [5] دکتر محمد مصدق - خاطرات و تالمت دکتر محمد مصدق - مشتمل بر دو کتاب: ۱- شرح مختصری از زندگی و خاطراتم ۲- مختصری از تاریخ ملی شدن نفت در ایران - به کوشش ایرج افشار ص ۵۰
- [6] دکتر محمد مصدق - خاطرات و تالمت دکتر محمد مصدق - به کوشش ایرج افشار ص ۳۲
- [7] دکتر محمد مصدق - خاطرات و تالمت دکتر محمد مصدق - مشتمل بر دو کتاب: ۱- شرح مختصری از زندگی و خاطراتم ۲- مختصری از تاریخ ملی شدن نفت در ایران - به کوشش ایرج افشار ص ۵۰
- [8] Abdollah Mostofi: The Administrative and Social History of the Qajar Period, Volume II, Mazda Publishers ۳۴۷, p, 1997
- [9] دکتر محمد مصدق: خاطرات و تالمت مصدق - به کوشش ایرج افشار ص ۵۰ - ۵۱
- [10] عبدالعلی معصومی: تاریخ ایران زمین، انقلاب مشروطه، کتاب چهار، انتشارات بنیاد رضایی، پاریس، ۱۳۸۵، ص. ۴۵ - ۴۶
- [11] عبدالعلی معصومی: تاریخ ایران زمین، انقلاب مشروطه، کتاب چهار، انتشارات بنیاد رضایی، پاریس، ۱۳۸۵، ص. ۶
- [12] دکتر محمد مصدق: خاطرات و تالمت مصدق، به کوشش ایرج افشار، ص. ۵۵
- [13] دکتر محمد مصدق: خاطرات و تالمت مصدق - به کوشش ایرج افشار - ص. ۵۵
- [14] ۹۵. Rouhollah K. Ramazani: The Foreign Policy of Iran, University Press of Virginia, 1966, p
- [15] خلیل موحد: مصدق؛ در عرصه علم و قلم،
- [16] عبدالله مستوفی: تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجار جلد دو ص ۳۲۲
- [17] روایت خود مصدق از این ماجرا ظاهراً تنها سند مستقل و معتبر در این موضوع است.
- [18] انتخابات دوره اول تقنینیه طبقاتی انجام گرفت
- [19] دکتر محمد مصدق: خاطرات و تالمت مصدق - به کوشش ایرج افشار ص ۶۰ - ۶۱
- [20] مهدی شمشیری: زندگی نامه مصدق - از تولد تا پایان تحصیلات و اخذ تابعیت سویس ص ۸۷ و ص ۱۰۵
- [21] روزشمار و تقویم عمر شادروان دکتر محمد مصدق (<http://www.nasimjonoub.com/articles/article.asp?id=2067>) نسیم جنوب هفته نامه محلی بوشهر
- [22] مجامع اسلامی ایرانیان - حکومت قوام و تصدی پست وزارت مالیه از طرف دکتر مصدق (<http://www.majameeslamiiranian.com/Articles/pdf/safari44.htm>)
- [23] فوزه. خسرو معتضد. نشر البرز. تهران ۱۳۷۵ صفحات ۶۰۳ تا ۶۰۸
- [24] احمدآباد: روستایی نو در قلب تاریخ (http://www.aftab.ir/articles/politics/political_history/c1c1186235430p1.php) خبرگزاری آفتاب
- [25] نیم قرت خاطره و تجربه -مهندس سحابی - ۱۳۸۸ نشر فرهنگ صبا ص ۷۷
- [26] <http://museum.ical.ir/history/history.htm>
- [27] بحران دموکراسی در ایران - فخرالدین عظیمی - ترجمه هوشنگ مهدوی و بیژنم نوذری -نشر آسیم- چاپ ۳-۱۳۸۷- فصل ۱۴- دولت دوم ساعد
- [28] خاطرات سیاسی. کریم سنجابی. صدای معاصر. تهران ۱۳۸۱ (ISBN 964-6494-36-6)
- [29] ویکی‌نیشن - مذاکرات مجلس شورای ملی ۸ تیر ۱۳۲۹ نشست ۴۲
- [30] ایران بین دو انقلاب -آبراهامیان، پرواند، ترجمه گل محمدی - فتاحی، تهران، نی، ۱۳۷۷ش
- [31] ناسیونالیسم در ایران -کانم، ریچارد، ترجمه احمد تدین، تهران، کویر، چ ۳، ۱۳۸۳ش
- [32] مصدق و نبرد قدرت-همایون کاتوزیان، ترجمه احمد تدین، تهران، رسا، ۱۳۷۱ش

- [33] اسرار قتل رزم آراء - محمد ترکمان
- [34] کتاب سالهای بحرانی - خاطرات ناصر خان قشقائی نیز این موضوع در صفحات ۱۲۴ الی ۱۲۶ - نشر رسا ۱۳۶۶
- [35] تاریخ شفاهی هاروارد - مصاحبه دکتر بقایی با دکتر حبیب لاجوردی مصاحبه دوم ۴ ژوئن ۱۹۸۶
- [36] اطرات سیاسی - سرهنگ مصور رحمانی - ۱۳۶۴ انتشارات رواق
- [37] دشته چراغ راه آینده بی تاریخ - ص ۵۴۰-۵۴۲ به نقل از مجله خواندنیها ش ۳۹ و ۴۲ و ۴۴
- [38] اطرات مهندس شریف امامی - تاریخ شفاهی هاروارد - نشر نگاه امروز ۱۳۸۰ ص ۱۳۵
- [39] اسرار قتل رزم آراء - محمد ترکمان
- [40] محمد علی موحد، خواب آشفته نفت
- [41] محمد علی موحد، خواب آشفته نفت
- [42] محمد علی موحد، خواب آشفته نفت
- [43] دکتر محمد مصدق، خاطرات و تالمات
- [44] پروانده آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، نشر نی، چاپ یازدهم ۱۳۸۴ تهران، ص ۳۳۱
- [45] کلبکی، حسین، سالهای نهضت ملی جلد ۱
- [46] موحد، محمد علی - خواب آشفته نفت - ج ۱ - ص ۴۷۶ - ۱۳۷۸ - نشر کارنامه
- [47] ن. جامی - گذشته چراغ راه آینده است: تاریخ ایران در فاصله دو کودتا ۱۲۹۹ - ۱۳۳۲
- [48] خواب آشفته نفت - محمد علی موحد
- [49] آرسنجانی، حسن - یادداشت‌های سیاسی - انتشارات هیرمند - ۱۳۶۶ چاپ دوم
- [50] محمد مصدق - دایره‌البرای اعتماد به دولت - جناب آقای دکتر محمد مصدق - نخست‌وزیر - مرداد ۱۳۳۱ http://fa.wikisource.org/wiki/1331_مرداد_مصدق
- [51] رویدادها و داوری - مسعود حجازی
- [52] تهران مصور ش ۴۹۹ - ۱۳۳۱/۱۵/۱۲
- [53] گذشته چراغ راه آینده
- [54] دکتر محمد مصدق، خاطرات و تالمات - ۲۱۱ الی ۲۱۸
- [55] توطئه قتل دکتر مصدق ۹ اسفند ۱۳۳۱ - مسعود حجازی
- [56] خواب آشفته نفت - محمد علی موحد - فصل ۱۷
- [57] خواب آشفته نفت - دکتر موحد - جلد دوم - فصل ۱۷ - نشر کارنامه ۱۳۷۸
- [58] خواب آشفته نفت - دکتر موحد - جلد دوم - فصل ۱۷ - نشر کارنامه ۱۳۷۸
- [59] دکتر محمد مصدق، خاطرات و تالمات
- [60] دکتر محمد مصدق، خاطرات و تالمات
- [61] بحران دموکراسی در ایران - فخرالدین عظیمی
- [62] اسرار قتل رزم آراء - محمد ترکمان - رسا
- [63] خاطرات شفاهی - دانشگاه هاروارد - در گفتگو با حبیب لاجوردی
- [64] ویکی‌نیشن - مذاکرات مجلس شورای ملی ۱۸ تیر ۱۳۳۲ نشست ۸۷
- [65] حسین مکی، کتاب سیاه: سال‌های نهضت ملی از نهم اسفند ۱۳۳۱ تا مرداد ۱۳۳۲، ج هفتم، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۷،
- [66] جان فوران، مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از ۱۵۰۰ میلادی مطابق ۸۷۹ شمسی تا انقلاب، ترجمه احمد تدین، تهران: خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۸۶،
- [67] حسین مکی، کتاب سیاه: سال‌های نهضت ملی از نهم اسفند ۱۳۳۱ تا مرداد ۱۳۳۲، ج هفتم، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۷،
- [68] محمد علی موحد، خواب آشفته نفت
- [69] پرتال جامع علوم انسانی - تأثیر انحلال مجلس هفدهم بر شکست نهضت ملی (<http://www.ensani.ir/fa/content/126212/default.aspx>)
- [70] حسین مکی، کتاب سیاه: سال‌های نهضت ملی از نهم اسفند ۱۳۳۱ تا مرداد ۱۳۳۲، ج هفتم، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۷،
- [71] روزنامه لوموند، چهارم اوت ۱۹۵۳ صفحه ۱۲ - 12 _ Le Monde, 4 aout, 1953, P 12
- [72] مجله کاوه (مونیخ) - شماره ۶۳ - ساختمان و حرکات جمعیت ایران در سالهای اخیر با مطالعه تطبیق استانهای اصفهان و کرمان (<http://www.noormags.com/view/fa/ArticlePage/405569>)
- [73] JameJamOnline.ir (<http://www.jamejamonline.ir/papertext.aspx?newsnum=100883513397>)
- [74] محاکمه و دفاع - دکتر محمد مصدق - شماره ثبت کتابخانه ملی ۱۴۱۸ - ۱۴/۹/۱۳۵۶ -
- [75] محاکمه و دفاع - دکتر محمد مصدق - شماره ثبت کتابخانه ملی ۱۴۱۸ - ۱۴/۹/۱۳۵۶ -
- [76] خاطرات و تالمات مصدق: با یادداشت غلامحسین مصدق و توضیح ایرج افشار، تهران، انتشارات علمی، چاپ اول ۱۳۶۴، چاپ یازدهم ۱۳۸۵ ص ۲۸۹
- [77] با چشمی گریان، تقدیم به عشق - میثمی - لطف الله - نشر صمدیه
- [78] باختر امروز - دکتر فاطمی ۲۵ مرداد - ۱۳۳۲ - داستان کودتا
- [79] خاطرات و تالمات مصدق
- [80] تاریخ ایرانی - سند منتشر نشده‌ای از وزارت امور خارجه بریتانیا/روایت انگلیسی از کودتای ۲۸ مرداد ([filesId=305&TypeId=33&http://tarikhirani.ir/Modules/files/PrintVersion.Html.php?Lang=fa](http://tarikhirani.ir/Modules/files/PrintVersion.Html.php?Lang=fa&filesId=305&TypeId=33))
- [81] زندگی نامه شعبان جعفری - هما سرشار
- [82] Kermit Roosevelt: Countercoup
- [83] تاریخ ایرانی - سند منتشر نشده‌ای از وزارت امور خارجه بریتانیا/روایت انگلیسی از کودتای ۲۸ مرداد ([filesId=305&TypeId=33&http://tarikhirani.ir/Modules/files/PrintVersion.Html.php?Lang=fa](http://tarikhirani.ir/Modules/files/PrintVersion.Html.php?Lang=fa&filesId=305&TypeId=33))
- [84] قصر تنهایی، ثریا پهلوی (اسفندیاری)، مرکز نشر کتاب، ۱۳۷۰
- [85] پایگاه اطلاع رسانی حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی قدس سره - کودتای ۲۸ مرداد و سیاست آیت‌الله بروجردی (<http://broujerdi.org/content/view/1053/68>)
- [86] مجموعه پیام‌ها و مکتوبات آیت‌الله کاشانی. م. دهنوی (محمد ترکمان). (تهران. چاپخش. ۱۳۶۲) جلد ۴ ص ۲۸

- [87] روزنامه اطلاعات - مهندس عزت الله سحابی ۲۷ دی ماه ۱۳۵۹
 [88] روزنامه کیهان ۳ شهریور ۱۳۳۲
 [89] <http://www.tambirani.com/Stamp.php?SID=4089>
 [90] http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2013/08/130819_145_cia_coup_role.shtml
 [91] http://en.wikipedia.org/wiki/1953_Iranian_coup_d'etat
- [92] مجموعه‌ای از مکتوبات، سخنرانی‌ها و پیام‌های آیت‌الله کاشانی، به کوشش م. دهنوی [محمد ترکمان]، انتشارات چاپخش، ج ۳، ص ۴۱۱ - ۴۰۷
- [93] مذاکرات مجلس شورای ملی / نهم مرداد ماه ۱۳۳۱
- [94] رادیو فردا - با فریاد «بانگی گو هوم» توده‌های، آمریکا از مصدق نومید شد (بخش ۲۲)
http://www.radiofarda.com/content/f10_rahrovan_e_mehr_o_kin_22/3549088.html
- [95] تاریخ ایرانی - گذری بر زندگی برخی از یاران دکتر مصدق (<http://tarikhirani.ir/fa/news/4/bodyView/1170>) گذری
- [96] خاطرات سیاسی، طرح تاریخ شفاهی هاروارد، انتشارات صدای معاصر، ۱۳۸۱، ص ۱۵۹
- [97] خاطرات سیاسی، طرح تاریخ شفاهی هاروارد، انتشارات صدای معاصر، ۱۳۸۱، ص ۲۶۳
- [98] ایران بین دو انقلاب - پروانده آبراهامیان
- [99] تاریخ ایرانی - همایون کاتوزیان: اگر مصدق انعطاف نشان می‌داد، کودتا نمی‌شد (<http://tarikhirani.ir/fa/news/1/bodyView/1183>) همایون
- [100] خبرآنلاین - ادعاینامه جدید علیه مصدق/شاه کودتا کرد یا مصدق؟
<http://www.khabaronline.ir/detail/180493> پیروز مجتهدزاده-محمد مصدق-کودتای ۲۸-مرداد-احزاب-و-تشکل-ها/سیاست)
- [101] خواب آشفته نفت - محمدعلی موحد
- [102] زیباکلام-صادق، یادداشت‌های انقلاب
- [103] به عبارت دیگر: گفتگوی شبکه بی بی سی فارسی با پروانده آبراهامیان <http://www.youtube.com/watch?v=GKmZJuXgMgs#t=02m47s>
- [104] تاریخ ایرانی - موسی غنی‌نژاد: مصدق را پدر پوپولیسم نفتی می‌دانم (<http://tarikhirani.ir/fa/news/3/bodyView/631>) موسی
- [105] تاریخ ایرانی - فریدون مجلسی در گفتگو با تاریخ ایرانی: کودتای ۲۸ مرداد اصولاً داخلی بود (<http://tarikhirani.ir/fa/files/33/bodyView/303>) فریدون
- [106] در دفاع از سیاست: لیبرال دموکراسی مقتدر - مرتضی مریدیها - فصل نقد مشروطه
- [107] میلانی: کاشانی هم با شاه سر و سری داشت هم با زاهدی و مصدق
http://www.radiofarda.com/content/f4_Kashani_Shah_28_mordad_Mossadegh/2133862.html
- [108] http://www.radiofarda.com/content/f4_Kashani_Shah_28_mordad_Mossadegh/2133862.html
 ۱۳۸۶ نامه شهروند امروز، ۲۸ مرداد ۱۳۸۶
- [109] من و روزگار - خاطرات داریوش همایون در سالهای جوانی
- [110] مصاحبه با دکتر هوشنگ نهاوندی، مولف کتاب تاریخی «ایران، شوک بلندپروازی‌ها» (<http://www.radiofarda.com/content/article/281867.html>)
- [111] خبرآنلاین - پیروز مجتهدزاده در گفتگو با خبر: مصدق کارهایی را که رضاخان جرات نکرد انجام داد (<http://www.khabaronline.ir/news-84906.aspx>)
- [112] نگاهی به کارنامه سیاسی دکتر محمد مصدق - دکتر جلال متینی
- [113] گفتگو با دکتر موسی غنی‌نژاد درباره عملکرد مصدق (<http://www.sharghdaily.ir/1392/05/28/Vijeh/PDF/13920528-1810-86-13.pdf>) مسعود بربر، روزنامه شرق، ویژه نامه ۲۸ مرداد، ۲۸ مرداد ۱۳۹۲
- [114] <http://www.audiolib.ir/post-2904430> ۱۵/۱۲/۱۳۵۷
- [115] کتاب دکتر محمد مصدق، خاطرات و تالما
- [116] کتاب دکتر محمد مصدق، خاطرات و تالما
- [117] کتاب دکتر محمد مصدق، خاطرات و تالما
- [118] روزنامه اطلاعات ۱۵/۱۲/۱۳۵۷
- [119] بیانیه هیات امناء قلعه احمد آباد - ۱۳۸۹ و مصاحبه حسین شاه حسینی با رادیو فردا اردیبهشت ۱۳۸۹
<http://www.audiolib.ir/post-2904430>
- [120]

منابع

- دکتر محمد مصدق - خاطرات و تالما دکتر محمد مصدق - مشتمل بر دو کتاب: ۱- شرح مختصری از زندگی و خاطراتم ۲- مختصری از تاریخ ملی شدن نفت در ایران - به کوشش ایرج افشار، تهران ۱۳۶۴
- کتاب «ایران در دوره دکتر مصدق، ریشه‌های انقلاب ایران»، نشر: آشیانه کتاب (۱۳۸۱)، شابک: ۹۶۴-۳۱۳-۲۲۲-۶
- زندگینامه‌های گوناگون دکتر مصدق (<http://www.mossadeq.com/languages/farsi/mossadeq-zendegi.html>)
- مصدق نفت و دفاعیات او، آرش شعاع شرق، نشر: مولف ۱۳۹۰
- طلایه داران دروغین تاریخ، جلد اول، آرش شعاع شرق، انتشارات: جبهه ملی ایران ۱۳۸۹
- مشیر، مرتضی. دکتر مصدق در دوره قاجار و پهلوی. چاپ اول. تهران: نقش هنر، ۱۳۷۸. ۵۰۸. شابک ۹۶۴-۱۷۳-۹۰-X-۳.

پیوند به بیرون

- ویدیو: خانه دکتر مصدق در [[احمدآباد (<http://www.kalam.tv/fa/video/8020/index.html>)]]
- دموکراسی و مصدق: قربانیان کودتای سی. آی. ای (<http://www.dw-world.de/dw/article/0,,4119073,00.html>)
- مدارک سازمان سیا (<http://www.nytimes.com/library/world/mideast/041600iran-cia-index.html>)
- عکس‌های دکتر محمد مصدق (<http://www.kelishe.com/1691/عکس-های-دکتر-محمد-مصدق.html>)
- «انگلستان عامل همه بدبختی‌های ایران» سخنرانی از دکتر مصدق (<http://www.aftab.ir/lifestyle/view.php?id=71322>)
- روزشمار و تقویم عمر شادروان دکتر محمد مصدق (<http://www.nasimjonoub.com/articles/article.asp?id=2067>)

منابع مقاله‌ها و مشارکت‌ها

محمد مصدق منبع: <http://fa.wikipedia.org/w/index.php?oldid=11800577> همکاران: ARYO1, Abtinb, Achaemenes, Afghari, Ahs 1375, Alamir, Alborzagros, Aleem, Alefbe, Ali xi, Ali.eblis1, Ali6236
 ,Aliparsa, Alireza Hashemi, Almoz06, Amin rkh, Amirali-E, Amirreza, Amirsh65, Aparhizi, Arashk rp2, Ariobarzan, Ariya shookh, Arteschbod, Asghar, Ashas24, Ayda, Bahraam Roshan, Bardia666, Behaafarid, Behzaad, Behzad.Modares, Bellavista1957, Bidabadi, Bitafarhadi, BlueDevil, Cobain, CommonsDelinker, Daeemohsen2003, Dernhelm, Diyako, Doktorjan, Ebadi Ebiwikifa, Ebrahim50, Ebraminio, Eh kia, Eleasar, Espiral, Far50had, Faramarz, Farvartish, Farzaaad2000, Farzan44, Fdmfi, Fjalili, Gatrika, Gerehgoshaa, Ghalenezami, Gnosis, Great Researcher, Grim reaper, Hamed, Hamed Sarzaie, Hamid kasravi, Hatef.z, Hesamian, Heybat, Hootandolati, Hossayni, Iemt, Iranian, Iraninfo93, Jahangard79, Javad.mousavi, Kasir, Kazemita1, KhabarNegar, Komeil 4life, Kpahlavan, Leosan, M samadi, M-arab, MRBigdeli, Mahanrahi, MahdiEynian, Manetanhaa, Mani-bakhtiar, Mardetanha, Masoud, Masoudborbor, Masudmo, Mehdisavari, Mehran, Meisam, Min.neel, Mmehdi.g, Mohamadreza401, Mohawer, Mohsens, Mojtbasani, Monobit, Montesquieu, Mrt doulaty, Msaqaei, Naserman, Nathaniel83, Nersy, Njamali, Ojanfar, Omid, Oyakmohsen, PHoBiA, Paraw, Payamy, Peymanpi, Peymanshekan, Pouyana, Pragmaknowledge, Qoqnous, R0stam, Raamin, Raatin, Raayen, Rahbar66, Rooh23, Roozbex, Rrastgari, Saadi2000, Sadeghi.amirsa, Saeed, Salari, Sanchooli, Sasan Geranmehr, Senemmar, Seyedhasantaghavi, Shahab.z, Shahidamlaki, Shahrashah, Shahryar84, Shervinafshar, Siavash, Siavash m689, Sibeshahrekord, Sicaspi, Sobhan2012, Sohale SHARIFAN, Soroush90gh, Spring b2006, Surena, Taranet, Tarikhgoo, Uspinkpanther, Varlaam, Wayiran, Wiki66, رجبی، علی پیرحیاتی، فخرالدین بلاگ، قاصدک بهار، کولبوند، مانفی، مانی، محمدرضا، مصاحب، همان، بویوا، ژنرال، کاظم، کامران، کاغذی، گیانشاه، 175 ویرایش‌های ناشناس

منابع تصویر، مجوزها و مشارکت‌ها

file:Mossadeghmohammad.jpg منبع: http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=Public_Domain همکاران: Soroush90gh
 Image:Flag of Iran.svg منبع: <http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=Various> همکاران: Public Domain
 File:mohammad mossadegh Signature.svg منبع: http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=Mohammad_mossadegh_Signature.svg همکاران: mohammad mossadegh
 Mossadegh_childhood.jpg منبع: http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=Arashk_rp2 همکاران: Public Domain
 Mohammed Mossadegh in middle age.jpg منبع: http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=Mohammed_Mossadegh_in_middle_age.jpg همکاران: Alborzagros
 Sedighiandmosadegh.jpg منبع: <http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=Sedighiandmosadegh.jpg> همکاران: کاربر: Mahanrahi
 Mossadegh-daneshjoiir.png منبع: <http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=Mossadegh-daneshjoiir.png> همکاران: کاربر: Mahanrahi
 Sanati_Mossadegh.jpg منبع: http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=Sanati_Mossadegh.jpg همکاران: Xerxesenior، مانفی
 Mossadeghmohammadrezashah.jpg منبع: <http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=Mossadeghmohammadrezashah.jpg> همکاران: Meisam, Wayiran, Arashk rp2, DIREKTOR
 Mossadegh1stcabin.jpg منبع: <http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=Mossadegh1stcabin.jpg> همکاران: Farvartish
 President Truman and Prime Minister Mohammad Mossadegh of Iran.TIF منبع: <http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=Nara.gov> همکاران: Public Domain
 Mossadegh_US24.jpg منبع: http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=Sophus_Bie_Ugo14 همکاران: Public Domain
 2ndMossadegh'scabinet.jpg منبع: <http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=2ndMossadegh'scabinet.jpg> همکاران: Farvartish, SPhotographer, SaMin SAmin
 Pro-mossadeq-demonst-3.jpg منبع: <http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=Pro-mossadeq-demonst-3.jpg> همکاران: Ojanfar
 Afshartus.jpg منبع: <http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=Afshartus.jpg> همکاران: Farvartish, SaMin SAmin
 Mossadegh stamp.JPG منبع: http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=Mossadegh_stamp.JPG همکاران: Wayiran, Alborzagros
 Shaban_jafari.jpg منبع: http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=Shaban_jafari.jpg همکاران: Alborzagros
 20th anniversary of 1953 Iranian coup d'état.jpg منبع: http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=20th_anniversary_of_1953_Iranian_coup_d'état.jpg همکاران: Farvartish, SaMin SAmin
 Mohammad Mosaddeq, Ahmadabad, ca 1965 - 2nd.jpg منبع: <http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=Alborzagros> همکاران: Public Domain
 Mohammad Mosaddeq, Ahmadabad, ca 1965 - 2nd.jpg منبع: http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=Public_Domain همکاران: Sicaspi

اجازه‌نامه